

فصلنامه مطالعات

دوره اول / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۰ / صص ۱۲۷ - ۱۷۳

ساختارشناسی و هدف‌شناسی دیپلماسی عمومی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در زمان جرج دبلیو بوش

فواد ایزدی*

استادیار گروه مطالعات آمریکا، دانشگاه تهران

چکیده

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای است درباره ساختار دیپلماسی عمومی دولت بوش در برابر ایران. این دیپلماسی به منزله ابزار جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و نقش‌آفرینان وابسته به آن است. تاریخچه دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران به سال‌های آغازین جنگ سرد برمی‌گردد. ملت ایران از آن پس، همواره آماج تبلیغات آمریکا بوده است؛ اما می‌توان ادعا کرد که تحویل ساختاری دیپلماسی عمومی ضد ایرانی در زمان بوش، نشان‌دهنده عزم بیش از پیش

* نویسنده مسئول: f.izadi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۸

آمریکا در رویارویی نرم با جمهوری اسلامی است. باراک اوباما که وارث این ساختار است، نه تنها از شدت این جنگ نکاسته، بلکه با افزودن شاخ و برگ‌های جدید به آن، سعی می‌کند آن را شعله‌ورتر کند.

دولت بوش از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، بیش از ۲۰۰ میلیون دلار برای دیپلماسی عمومی خود در رابطه با ایران هزینه کرده است؛ بودجه‌ای که برنامه‌های به اصطلاح «ترویج دموکراسی» وزارت خارجه آمریکا، صندوق اعانه ملی برای دموکراسی و هیئت امنای شبکه‌های رادیو - تلویزیونی دولتی آمریکا تأمین کننده آن بوده‌اند. این هزینه‌ها به علاوه ۴۰۰ میلیون دلار دیگری است که برای فعالیت‌های تبلیغاتی مخفی در نظر گرفته شده بود. تمام این فعالیت‌ها (اعم از آشکار و پنهان) با هدف براندازی جمهوری اسلامی طراحی شده بود. دولت اوباما تنها در سال اولش ۵۰ میلیون دلار دیگر برای مقابله نرم با جمهوری اسلامی از کنگره بودجه دریافت کرده است.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، بنیاد وقف ملی برای دموکراسی، ترویج دموکراسی، جرج دبلیو بوش، جنگ نرم، خانه آزادی، دفتر امور ایران، دیپلماسی عمومی.

درآمد

در قرن اخیر، خاورمیانه با ذخایر عظیم نفت و گازش محور رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ بوده است. سیاست آمریکا نیز در این دوره، استفاده از تمام وسایل ممکن برای به قدرت رساندن دولت‌های همسو با خود در منطقه بوده است. در حال و هوای جنگ سرد دهه ۱۹۵۰، آمریکا سیاست تبلیغاتی فعالی را با هدف وارد کردن خاورمیانه در ائتلاف جهانی علیه شوروی آغاز کرد (Battle, 2002). در این چارچوب، ایران به دلیل موقعیت راهبردی‌اش در نزدیکی مرز شوروی و همچنین منابع نفتی گسترده‌اش، از هدف‌های اصلی آمریکا بود (Hahn, 2005). عملیات تبلیغاتی‌ای که سیا با هدف سرنگونی دولت ملی‌گرای محمد مصدق، در سال ۱۹۵۳ هدایت کرد، نمونه بارزی از این فعالیت‌ها است.

بر اساس آنچه طراح اصلی کودتای ۱۹۵۳، دونالد ویلبر، نوشته است: «عملیات تبلیغاتی عظیمی را علیه مصدق و دولت او رهبری کرد که البته هدف اصلی آن، شخص مصدق بود» (Wilber, 1954, appendix B, 15). به تعبیر حامد الگار، «بازگشت شاه به قدرت، سرآغاز دوران خفقان شدیدی بود (به مدت یک ربع قرن) که با کشتار و سرکوب بی‌سابقه و استثمار شدید منابع مردم ایران همراه بود» (Algar, 1983).

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران به قدرت منطقه‌ای بالقوه‌ای تبدیل شد؛ چشم‌اندازی که دولت‌های آمریکا یکی پس از دیگری، سعی می‌کردند از تحقق آن جلوگیری کنند. به همین منظور، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا همچنان به استفاده از تبلیغات به‌منزله ابزاری اساسی برای تغییر حکومت در ایران ادامه داده است. این اقدام‌های تبلیغاتی - که دولت آمریکا آن را «دیپلماسی عمومی» می‌نامد - در چارچوب فعالیت‌های تبلیغاتی جهانی آمریکا پس از یازده سپتامبر و با هدف تسخیر دل‌ها و افکار مردم در جهان اسلام، نیرویی تازه یافته است.

دولت بوش در دو سال پایانی کارش، برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌طور قابل توجهی به ظرفیت‌های ساختاری دیپلماسی عمومی خود افزود. ریاست جمهوری او با ما نیز - که این ساختار را به‌ارث برده است - همچنان از این ظرفیت‌ها برای اشاعه تبلیغات علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کند.

پژوهش حاضر می‌کوشد از ساختار دیپلماسی عمومی ضدایرانی آمریکا (آن‌طور که در سال‌های پایانی ریاست جمهوری بوش پایه‌ریزی شد) نمایی جامع ارائه دهد. همچنین هدف‌های نهایی فعالیت‌های دیپلماسی عمومی در این بازه زمانی واکاوی می‌شود. به‌طور دقیق‌تر، این مقاله در پی پاسخ به چهار سؤال اساسی است:

۱. دیپلماسی عمومی آمریکا در زمان بوش از چه بخش‌هایی تشکیل می‌شده

است؟

۲. اداره‌های مختلف دولت بوش درباره دیپلماسی عمومی آن دولت در برابر جمهوری اسلامی ایران، چه سیاست‌هایی تدوین کردند و کدامیک از این سیاست‌ها اجرا شد؟

۳. کنش‌گران غیردولتی در پیشبرد این سیاست‌ها چه نقشی ایفا می‌کنند؟

۴. هدف نهایی دیپلماسی عمومی آمریکا در برابر ایران در زمان بوش چه بوده است؟

بیشتر صاحب‌نظران، دیپلماسی عمومی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

فرآیندی دولتی از برقراری ارتباط با مردمان خارج، در راستای ایجاد فهمی از ایده‌ها و ایدئال‌ها، نهادها و فرهنگ، و نیز هدف‌های سیاسی و خط‌مشی‌های ملت خود (Tuch, 1990, p. 8).

کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی آمریکا^۱ - که هیئتی دوحزبی است و کنگره در سال ۱۹۴۸ آن را تأسیس کرده است - تصریح می‌کند: هدف مرکزی دیپلماسی عمومی «ترویج سیاست‌ها» است (United States..., 2005, p. 2). این کمیسیون، دیپلماسی عمومی را چنین تعریف می‌کند:

[فرآیند] اطلاع‌رسانی، تعامل و تأثیرگذاری بر مردمان کشورهای خارجی؛ به‌گونه‌ای که [مردم آن کشورها] در نتیجه این فعالیت‌ها، حکومت‌های خود را ترغیب نمایند تا از سیاست‌های کلیدی آمریکا حمایت کنند (Ibid).

در مواردی، مانند آنچه درباره کوبا و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، هدف دیپلماسی عمومی آمریکا از این فراتر رفته، درباره حکومت‌های متخاصم، به تغییر حکومت معطوف می‌شود (Gilboa, 2006). با اینکه نهادها و بازیگران دولتی و غیردولتی، هر دو در حوزه دیپلماسی عمومی هر کشور نقش دارند،

در دیپلماسی عمومی، گرداننده و هادی اصلی، دولت و دستگاه سیاست خارجی آن است که بخش خصوصی و غیردولتی را نیز در جهت هدف‌های مورد نظر خود هدایت می‌کند (هادیان، ۱۳۸۸، ص. ۹۸).

1. United States Advisory Commission on Public Diplomacy

همچنین دیپلماسی عمومی با قدرت نرم رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ اگرچه با آن مترادف نیست. جوزف نای^۱ دیپلماسی عمومی را ابزار «قدرت نرم»^۲ (قدرتی اقتناعی که مبتنی بر جاذبه‌های خود است و برای جلب موافقت عمومی طراحی شده) می‌داند (Nye, 2004, p. 5).

«جنگ نرم» را نیز می‌توان مجموعه‌ای از تهدیدهای نرم دانست. به قول الیاسی:
[جنگ نرم دربرگیرنده] مجموعه‌ی تدبیرها و اقدام‌های ازپیش‌اندیشیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورها است که بر نظرها، نگرش‌ها، انگیزش و ارزش‌های مخاطبان آماج (اعم از حکومت‌ها، دولت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی) تأثیر می‌گذارد و در بلندمدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان می‌شود (۱۳۸۹، ص. ۶۶).

بنابراین، دیپلماسی عمومی با استفاده از منابع قدرت نرم، در جنگ نرم، ابزاری برای استیلا محسوب می‌شود.

روش پژوهش، داده‌ها و منابع اطلاعاتی

این مقاله در پرداختن به مسئله مورد بحث، از روش مطالعه موردی بهره می‌گیرد. مطالعه موردی، مطالعه متمرکز یک مورد تنها^۳ است که برای روشن کردن مسأله یا سؤال خاصی، به منزله مصداقی از رویداد یا پدیده‌ای خاص، مشخص شده است. محققان مایلند از هر پدیده اجتماعی، سیاسی، و تاریخی پیچیده فهمی جامع و کل‌نگر داشته باشند؛ به همین دلیل، در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی از مطالعه‌های موردی به‌طور گسترده استفاده می‌شود.

1. Joseph S. Nye
2. Soft Power
3. Single Case

برای دست یافتن به اسناد کلیدی غیرمحرمانه مربوط به کنش‌گران دیپلماسی عمومی دولتی و غیردولتی آمریکا در برابر ایران، پایگاه‌های اطلاعاتی زیر و گستره جهانی وب، در بازه زمانی پس از یازده سپتامبر، جست‌وجو شده‌اند:

- مجموعه جست‌وجوی دانشگاهی^۱؛
- CIAO (امور بین‌الملل کلمبیا - اینترنتی)^۲؛
- مجموعه ارتباطات و رسانه‌های جمعی^۳؛
- فاکتیوا^۴؛
- مجموعه بین‌المللی علوم انسانی^۵؛
- نمایه اسلامیکوس^۶؛
- مرکز امنیت بین‌الملل و منابع مرجع ضد‌تروریسم^۷؛
- لکسیس‌نکسیس کانگرسنال^۸؛
- مجموعه آسیای شرق میانه و آسیای مرکزی^۹؛
- مجموعه ارتش و حکومت OCLC^{۱۰}؛
- ورلدکت^{۱۱}؛
- چکیده‌های پژوهش صلح^{۱۲}؛
- پالیسی فایل^{۱۳}.

1. Academic Search Complete
2. Columbia International Affairs Online
3. Communication & Mass Media Complete
4. Factiva
5. Humanities International Complete
6. Index Islamicus
7. International Security & Counter-Terrorism Reference Center
8. LexisNexis Congressional
9. Middle Eastern & Central Asian Studies Collection
10. Military & Government Collection
11. World Cat
12. Peace Research Abstracts
13. Policy File

همچنین در جست‌وجوی پایگاه‌های داده، از کلیدواژگان ذیل در ترکیب با کلمه ایران استفاده شده است: پروپاگاندا، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، ضدآمریکایی‌گرایی، نبرد برای دل‌ها و اذهان، جنگ افکار، کارزار ایدئولوژیک، عملیات اطلاعاتی، جنگ روانی، عملیات‌های روانی، کارزار اطلاعاتی، کارزار سیاسی، امپریالیسم فرهنگی، امپریالیسم رسانه‌ای، وابستگی فرهنگی، دموکراتیک‌سازی، بنیاد وقف ملی برای دموکراسی، اقدام مشارکت خاورمیانه، نارضایتی و اعتراض.

سپس با استفاده از منابع یافت‌شده، ساختار دیپلماسی عمومی و سیاست‌هایی که دولت آمریکا در زمان جرج دبلیو بوش درباره دیپلماسی عمومی در برابر ایران درپیش گرفته بود، ارائه می‌شود.

برای به‌دست آوردن شناختی کامل‌تر از ساختار دیپلماسی عمومی آمریکا، بهتر است ابتدا تاریخچه شکل‌گیری اجزای مختلف این دیپلماسی را مرور کنیم.

تنها چهار ماه پس از تأسیس شورای امنیت ملی در دسامبر ۱۹۴۷، این شورا مصوبه‌ای (NSC 4) با عنوان «هماهنگی برنامه‌های اطلاع‌رسانی خارجی»^۱ صادر کرد. این مصوبه بستر اصلی یک سامانه جنگ‌افزار سیاسی را فراهم آورد که از بخش‌های دولتی، خصوصی، علنی و مخفی تشکیل می‌شد. بر اساس این مصوبه، اختیار طراحی همه سیاست‌ها و مدیریت اجرای برنامه‌های اطلاع‌رسانی در خارج از کشور به وزیر امور خارجه سپرده شد.

در بخش NSC 4-A از این مصوبه، سازمان سیا مسئول هدایت طرح‌های مخفی جنگ روانی شد. در این بخش اشاره شده است:

برای حفظ منافع صلح جهانی و امنیت آمریکا، فعالیت‌های اطلاع‌رسانی خارجی آمریکا باید با عملیات مخفی جنگ روانی همراه شود (Souers).

در پی تصویب «قانون تبادل آموزشی و اطلاعاتی آمریکا»^۲، معروف به «قانون اسمیت-موندت»^۱، مفاد این مصوبه شورای امنیت ملی پشتوانه قانونی یافت.

1. Coordination of Foreign Information Measures
2. U.S Information and Educational Exchange Act

در سال ۱۹۸۳ کنگره آمریکا «بنیاد وقف ملی برای دموکراسی» را تأسیس کرد (قانون عمومی ۹۸ - ۱۶۴) تا بخشی از فعالیت‌های مخفی را - که در دهه‌های پیش، سازمان سیا انجام می‌داد - برعهده گیرد (Department of State...).

دیپلماسی عمومی آمریکا حاصل مجموعه‌ای است از فعالیت‌های علنی اطلاع‌رسانی (مانند شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی مورد حمایت دولت، و برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی)، عملیات مخفی جنگ روانی تحت هدایت سازمان سیا، و اقدام‌های سازمان‌های به‌ظاهر مستقل (مانند بنیاد وقف ملی برای دموکراسی که بودجه آن‌ها را دولت آمریکا تأمین می‌کند).

ابزارها و دستگاه‌هایی که دولت آمریکا برای اجرای دیپلماسی عمومی خود از آن‌ها استفاده می‌کند، عبارت‌اند از:

- شبکه‌های بین‌المللی، مانند صدای آمریکا، رادیو فردا، رادیو و تلویزیون مارتی، رادیو اروپای آزاد/ رادیو آزادی، رادیو آسیای آزاد، و شبکه پخش رادیو - تلویزیونی خاورمیانه؛

- اداره کل دموکراسی، حقوق بشر و امور کار در وزارت امور خارجه؛

- اداره کل امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه؛

- بنیاد وقف ملی برای دموکراسی و خانواده مؤسسه‌های وابسته به آن، از جمله: مؤسسه ملی دموکراتیک برای امور بین‌الملل^۲، مؤسسه بین‌المللی جمهوری خواه^۳، مرکز بین‌المللی برای فعالیت اقتصادی خصوصی^۴، و مرکز امریکایی برای همبستگی بین‌المللی کارگران^۵؛

- سازمان‌های غیرانتفاعی فراوانی که از کمک‌های دولتی در قالب برنامه

USAID برای ترویج دموکراسی برخوردارند، مانند «خانه آزادی»؛

1. Smith-Mundt Act
2. National Democratic Institute for International Affairs
3. International Republican Institute
4. Centre for International Private Enterprise
5. American Centre for International Labour Solidarity

- دفترهای ذی‌ربط در وزارت دفاع؛
 - سازمان سیا، در مقام متولی عملیات مخفی جنگ روانی.
- از آنجا که اطلاعات مربوط به فعالیت‌های وزارت دفاع و سازمان سیا درباره ایران معمولاً علنی نمی‌شود، بررسی آن‌ها از حدود این پژوهش خارج است. بنابراین، تمرکز این مقاله بر فعالیت‌های وزارت امور خارجه، بنیاد وقف ملّی برای دموکراسی، و شبکه‌های فارسی‌زبان رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی آمریکا خواهد بود. همچنین این مقاله آن دسته از نهادها و سازمان‌های غیردولتی آمریکایی را بررسی می‌کند که با دریافت کمک‌های مالی دولتی، در برنامه‌های دیپلماسی عمومی معطوف به ایران نقش آفرینی می‌کنند.

طرح فوریه ۲۰۰۶ کاندولیزا رایس، وزیر وقت امور خارجه آمریکا

دولت بوش در طول دو سال آخر عمرش، زیرساخت‌ها و بودجه‌هایی را که برای بی‌ثبات کردن حکومت ایران به وزارت امور خارجه اختصاص یافته بود، به شدت افزایش داد تا به هدف اصلی سیاست خود (یعنی تغییر نظام جمهوری اسلامی) دست یابد.

این تغییرها در پی درخواست مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ وزیر امور خارجه وقت، کاندولیزا رایس، از کنگره آمریکا آغاز شد. بنا بر این درخواست، در راستای آنچه آمریکا «ترویج دموکراسی» در ایران می‌نامد و نیز برای تأسیس دفتر امور ایران، ۷۵ میلیون دلار دیگر به فعالیت‌های این وزارتخانه اختصاص یافت (Rice, 2006/B). علاوه بر این، وزارت امور خارجه برای تحت نظر قرار دادن امور ایران در شهرهایی چون دبی، باکو، استانبول، فرانکفورت و لندن (شهرهایی که جمعیت زیادی از ایرانیان مهاجر در آن‌ها اقامت دارند) دفترهایی راه‌اندازی کرد. از جمله وظایف این دفاتر، ارائه گزارش‌هایی از وضعیت تحولات سیاسی و اقتصادی ایران از طریق تعامل با

ایرانیان مهاجر، و همچنین برقراری ارتباط با ایرانیان در راستای هدف‌های دیپلماسی عمومی بود (US Department of State, 2006/B).

دولت بوش تلاش کرد، با چنین اقدام‌هایی ظرفیت‌ها و منابع وزارت امور خارجه را برای پرداختن به امور ایران تقویت کند؛ ظرفیت‌ها و منابعی که پس از انقلاب اسلامی و به دنبال تیره شدن روابط دو کشور، بسیار محدود شده بود.

البته حمایت آمریکا از «تغییر حکومت» در ایران، پدیده تازه‌ای نیست. برای مثال، در سال ۱۹۹۶ نیوت گینگریچ^۱، رئیس وقت کنگره آمریکا (جمهوری خواه)، از سازمان سیا درخواست کرد: «اقدام‌های لازم را برای تغییر حکومت کنونی ایران اجرا کند». وی به همین منظور، طرحی پیشنهاد کرد که به موجب آن، برای تأمین هزینه‌های چنین اقدام‌هایی، ۱۸ میلیون دلار در اختیار سازمان سیا قرار می‌گرفت (Weiner, 1996).

اما در دولت بوش، برنامه «تغییر حکومت» حیات تازه‌ای یافت و بودجه‌های بزرگتر و منابع بیشتری در اختیار آن قرار گرفت. تنها در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، کنگره آمریکا بودجه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار به «تغییر حکومت» در ایران اختصاص داده است (Katzman, 2009). این مبلغ، اضافه بر حدود ۴۰۰ میلیون دلاری است که بنا به برخی گزارش‌ها، برای فعالیت‌های مخفی برضد دولت جمهوری اسلامی ایران زیر نظر بوش صرف می‌شد (Hersh, 2008).

در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶، برای رفع اختلاف سنا و کنگره درباره موضوع تخصیص بودجه اضافی به وزارت امور خارجه در مورد ایران، همایشی تشکیل شد و در نهایت، مبلغ ۶۶.۱ میلیون دلار برای برنامه‌های ترویج دموکراسی در ایران تصویب شد. این مبلغ، نه میلیون دلار کمتر از درخواست کاندولینزا رایس بود. طبق برنامه وزارت امور خارجه، بنا بود این بودجه تکمیلی در طول دو سال هزینه شود.

بنا به مفاد این مصوبه، ۲۰ میلیون دلار از این بودجه (یعنی پنج میلیون دلار بیشتر از آنچه در ابتدا تقاضا شده بود) بایست با مدیریت «برنامه همکاری خاورمیانه»^۲ و پس

-
1. Newt Gingrich
 2. MEPI (Middle East Partnership Initiative)

از مشاوره با اداره کل دموکراسی، حقوق بشر و امور کار وزارت امور خارجه آمریکا، برای ترویج دموکراسی در ایران صرف شود. کنگره همچنین ۳۶.۱ میلیون دلار (یعنی ۱۳.۹ میلیون دلار کمتر از آنچه درخواست شده بود) از بودجه تکمیلی را برای تلویزیون صدای آمریکا و رادیو فردا تصویب کرد (Katzman, 2008, p. 38). کنگره با درخواست تخصیص پنج میلیون دلار به گسترش فعالیت‌های اینترنتی و تعاملی زیر نظر اداره کل برنامه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی^۱ نیز موافقت کرد. همچنین پنج میلیون دلار دیگر نیز برای تبادل فرهنگی و آموزشی به اداره کل امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه اختصاص یافت. جرج بوش این لایحه را با عنوان «قانون حمایت از آزادی ایران» در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶ امضا کرد (Iran Freedom Support Act of 2006).

«برنامه همکاری خاورمیانه» (MEPI) که در سال ۲۰۰۲، کالین پاول، وزیر امور خارجه وقت، آن را راه‌اندازی کرد، طرحی است برای حمایت از نیروهای اصلاح‌طلب در خاورمیانه. هدف از این برنامه: «گسترش فرصت‌های آموزشی در سطوح پایین جامعه، حمایت از فرصت‌های اقتصادی و کمک به توسعه بخش خصوصی، تقویت جامعه مدنی و برقراری حکومت قانون در سراسر منطقه» است (US Department of State, Middle East Partnership Initiative).

اجرای برنامه MEPI بر عهده اداره کل امور خاور نزدیک وزارت امور خارجه است. فعالیت‌های اداره کل برنامه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی (IIP) شامل مواردی است چون: انتشار آثار به صورت چاپی یا الکترونیک، انتخاب و برنامه‌ریزی سفر سخنرانان و برگزاری سخنرانی‌هایی که به صورت الکترونیکی پخش می‌شوند.

این اداره همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی America.gov (وابسته به وزارت امور خارجه) را اداره می‌کند که یک بخش فارسی هم دارد. یکی از زیر مجموعه‌های آن نیز

1. IIP; Bureau of International Information Programs

«گروه برقراری ارتباط دیجیتال»^۱ است که اعضای آن در بحث‌های اینترنتی به زبان فارسی حضور می‌یابند و سیاست‌های دولت آمریکا را تبیین و تبلیغ می‌کنند (US Department of State, Bureau of International Information Programs).
اداره کل امور آموزشی و فرهنگی (ECA) نیز، بنا به نوشته پایگاه اطلاع‌رسانی آن:

برای نخستین بار پس از سال ۱۹۷۹ ایرانیان را در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های معمول این اداره کل (مانند تبادل آموزشی، حرفه‌ای و فرهنگی) شرکت داده است (US Department of State, 2008).

برنامه‌های این اداره کل شامل مواردی چون اعطای بورسیه به دانشجویان و برگزاری دوره‌های آموزش مدیریت و رهبری برای نخبگان کشورهای هدف است. برنامه‌ریزی و مدیریت رفت‌وآمد هیئت‌های ورزشی دو کشور، بخشی از برنامه دیپلماسی ورزشی است که این اداره در میان فعالیت‌های مربوط به ایران انجام می‌دهد (Ibid).

اداره‌های IIP و ECA پیشتر زیرمجموعه آژانس اطلاع‌رسانی آمریکا^۲ بودند؛ اما در سال ۱۹۹۹ از نظر سازمانی به وزارت امور خارجه منتقل شدند.

کاندولیزا رایس در سخنانی که در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ در برابر کمیته روابط خارجی کنگره ایراد شد، درخواست بودجه اضافی را نشانی بر «تلاش تازه به منظور حمایت از آرزوهای مردم ایران» دانست (Rice, 2006/B). او گفت: افزون بر ۱۰ میلیون دلاری که کنگره قبلاً تصویب کرده بود، مبلغ ۷۵ میلیون دلار بودجه اضافی برای دیپلماسی عمومی نیاز داریم. بخشی از این بودجه صرف حمایت از «اصلاح‌طلبان ایرانی، ناراضیان سیاسی و فعالان حقوق بشر» خواهد شد (Ibid). به گفته رایس، وزارت خزانه‌داری آمریکا بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران را لغو خواهد کرد تا امکان کمک مالی دولت به آن دسته از سازمان‌های غیردولتی آمریکایی که با

1. Digital Outreach Team

2 United States Information Agency

اتحادیه‌های صنفی، مخالفان سیاسی و سازمان‌های غیردولتی ایران تعامل دارند، فراهم شود. رایس همچنین به برنامه‌های خود برای ایجاد تحول در نیروی انسانی وزارت امور خارجه در راستای تقویت سیاست آمریکا در برابر ایران اشاره کرد.

به این ترتیب، توجه به فعالیت‌های براندازانه در تقابل با ایران که از سال ۲۰۰۵ با تصویب قانون «آزادی و حمایت از ایران» مقدمات آن فراهم آمده بود، افزایش یافت. این قانون ۱۰ میلیون دلار به این منظور اختصاص داد و از رئیس‌جمهور آمریکا خواست از این بودجه برای کمک به گروه‌های مخالف حکومت ایران استفاده کند (Iran Freedom Support Act of 2005). جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، از این حرکت کنگره قدردانی کرد و آن را نخستین گام در مسیر حمایت از گروه‌های مخالف ایرانی برای سرنگونی حکومت این کشور دانست.

تخصیص دوباره بودجه، به‌منظور تقویت سیاست این کشور در قبال ایران، بخشی از برنامه کاندولیزا رایس با عنوان «دیپلماسی تحول‌ساز» بود. رایس این برنامه را به‌طور خلاصه «تلاش برای استفاده از دیپلماسی برای تغییر دادن جهان» تعریف کرد (Stuart, 2006).

در پی حضور وزیر امور خارجه در کنگره، برای دفاع از لایحه خود، جلسه‌ای غیررسمی، با حضور یکی از مسئولان وزارت امور خارجه و برخی از اصحاب مطبوعات، برای توضیح دادن درباره این لایحه تشکیل شد. این مقام ارشد وزارت امور خارجه که نام او اعلام نشده است، در این جلسه می‌گوید: بودجه اضافه‌ای که برای امور ایران اختصاص یافته است، تنها «پرداخت اولیه» محسوب می‌شود و تلاش‌ها در این زمینه ادامه خواهد یافت (US Department of State, 2006/D). به گفته او، اختصاص این مبلغ به‌دلیل تأکید بر نگرانی آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران، حمایت این کشور از سازمان‌های تروریستی، و کمبود دموکراسی در این کشور است. این مقام یادآور شد: به‌دلیل قطع بودن روابط دو کشور، بر سر راه فعالیت آمریکا در ایران موانعی وجود دارد و اضافه کرد:

آنچه می‌توانیم انجام دهیم، نشان دادن حمایت خود از آن‌هایی است که در جامعه ایران هستند... و آرزوی دیدن ایران دیگری را در سر دارند (Ibid). یکی دیگر از مقامات ارشد وزارت امور خارجه که در آن جلسه حضور داشت، نیز به خبرنگاران گفت: آمریکا قصد دارد در بسیاری از برنامه‌هایی که در حمایت از اتحادیه‌های صنفی، ناراضیان سیاسی و فعالان حقوق بشر انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری کند. این مقام اضافه کرد: سازمان‌دهی به جامعه مدنی، کلید ایجاد تغییرات مثبت در جامعه ایران است. با این حال، او امکان همکاری دولت آمریکا با سازمان‌های غیردولتی موجود در ایران را رد کرد؛ چراکه به اعتقاد او عوامل دولت ایران در همه این سازمان‌ها نفوذ کرده‌اند.

مسئله این است که کمک کنیم تا شبکه‌های جدیدی تشکیل شود و از برخی چهره‌های بسیار شجاع که جان خود را به خطر انداخته‌اند، حمایت کنیم تا علیه رژیم سخن بگویند (Ibid).

به گفته این مسئول ارشد وزارت امور خارجه، تا زمانی که ایجاد شبکه‌هایی که از نفوذ دولت ایران مصون باشند، در داخل ایران امکان‌پذیر نباشد، این وزارتخانه برنامه‌های خود را از طریق سازمان‌های غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی دنبال خواهد کرد. یکی از این سازمان‌ها «مرکز گریفین برای بهداشت و حقوق بشر»^۱ است که در شهر نیویورک قرار دارد. از کل مبلغ ۳.۵ میلیون دلاری که آمریکا در سال ۲۰۰۴ برای ترویج دموکراسی در ایران صرف کرده است، ۱.۶ میلیون دلار به این سازمان غیردولتی اختصاص یافت تا خرج راه‌اندازی «مرکز اسناد حقوق بشر ایران»^۲ شود. برگزاری یک کارگاه آموزشی در شهر دبی برای مخالفان حکومت ایران، از جمله فعالیت‌های این مرکز بود. بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز، عمادالدین باقی، از ناراضیان سیاسی ایران، با این گمان که کارگاه یادشده را سازمان ملل برگزار کرده است، تعدادی از اعضای خانواده خود را برای شرکت در آن به دبی فرستاد (Azimi, 2007).

1. Griffin Center for Health and Human Rights
2. Iran Human Rights Documentation Center

به گفته باقی، شرکت‌کنندگان پس از حضور در این کارگاه متوجه شدند، محتوای آن، دوره فشرده مرور بر تجربیات شورش‌های عمومی موفق است. تعدادی از اعضای گروه اوتپور^۱ (جنبش جوانان صرب که در سرنگونی دولت اسلوبودان میلوسویچ نقش مهمی ایفا کرد) در این نشست حاضر بودند. بخش‌هایی از مجموعه مستند سه‌ساعته «نیروی با قدرت بیشتر»^۲ نیز برای حاضران به‌نمایش درآمد. این مستند نقش جنبش‌های مقاومت مدنی را در سرنگونی دولت‌های اقتدارگرا در سراسر جهان بررسی می‌کند (Ibid). همچنین در این کارگاه چگونگی استفاده از Hushmail (نوعی ایمیل رمزگذاری شده) و Martus (نرم افزار امن اطلاعات آزاد اینترنت) آموزش داده شد تا آن‌ها بتوانند به‌شکل مؤثر و امنی، اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر را مبادله کنند. نسخه‌هایی از این نرم‌افزار نیز برای استفاده در ایران به حاضران داده شد.

البته این فعالیت‌ها از چشم مسئولان ایرانی دور نمانده است. به گفته جواد ظریف، نماینده سابق ایران در سازمان ملل:

مقامات آمریکایی سال‌ها است چهره‌های ایرانی را به چنین به‌اصطلاح کنفرانس‌های علمی دعوت می‌کنند. اما هنگامی که مدعوین در این نشست‌ها حضور می‌یابند، متوجه می‌شوند موضوع بحث چگونگی سرنگون کردن دولت ایران است (Press TV).

رامین احمدی، بنیانگذار ایرانی - آمریکایی مرکز گریفین و از اعضای هیئت مدیره «مرکز اسناد حقوق بشر ایران»، از برنامه خود برای آماده‌سازی ترجمه فارسی از «یک بازی رایانه‌ای درباره فعالیت اجتماعی که مرکز بین‌المللی مبارزه مسالمت‌آمیز^۳ آن را طراحی کرده»، خبر داده است (Azimi, 2007). به گفته او، افرادی که از این بازی رایانه‌ای استفاده می‌کنند، می‌توانند داستان و روند حوادث را طراحی نمایند؛ «مثلاً می‌توانند موضوع زنانی را که علیه حکومتی مذهبی قیام می‌کنند، انتخاب کنند».

1. Otpur
2. A Force More Powerful
3. International Center on Nonviolent Conflict

احمدی برای ارسال مخفیانه این بازی به ایران و تکثیر آن در مقیاس وسیع نیز برنامه‌هایی دارد. به گفته او «ظرف یک هفته بیست‌هزار نسخه از این بازی در خیابان‌های تهران عرضه خواهد شد» (Ibid).

بر اساس سندی که وزارت امور خارجه در ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ منتشر کرد، مقرر شده بود مبلغ ۱۵ میلیون دلار (که بعدها کنگره آن را به ۲۰ میلیون افزایش داد) برای «حمایت از گسترش مشارکت در عرصه سیاسی و نیز پشتیبانی از تلاش‌ها برای افزایش دسترسی به اینترنت، به‌منزله ابزاری برای سازماندهی مدنی» هزینه شود (US Department of State. Reaching out to the People of Iran). برنامه این بود که این مبلغ «با کمک سازمان‌هایی مانند مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه، مؤسسه ملی دموکراتیک و بنیاد وقف ملی برای دموکراسی» هزینه شود (Ibid). با امضای باراک اوباما در جولای ۲۰۰۹، کنگره ۲۰ میلیون دلار دیگر برای شتاب بخشیدن به جنگ سایبری آمریکا علیه ایران اختصاص داد.

اندکی پس از درخواست بودجه اضافی برای ایران در وزارت امور خارجه، دفتر «برنامه همکاری خاورمیانه» اعلام کرد: «به‌منظور اعطای کمک مالی^۱ به طرح‌هایی که از حکمرانی دموکراتیک و اصلاحات در ایران حمایت می‌کنند، مسابقه آزادی» برگزار می‌کند (US Department of State. Iran Democracy Program Announcement).

بر این اساس، از متقاضیان خواسته شده بود فعالیت‌های مورد نظر خود را توضیح داده، نشان دهند که چگونه برنامه آن‌ها می‌تواند «تأثیرات ماندگاری بر جامعه ایران بگذارد» (Ibid). برای هر طرح، بین صد هزار تا یک میلیون دلار، برای هزینه کردن در طول دو سال، پیش‌بینی شده بود؛ البته اگر طرح به نتایج مثبت و موفقیت‌آمیزی منجر می‌شد، امکان پرداخت مجدد برای سال سوّم نیز وجود داشت.

بر اساس گزارشی که دفتر خدمات پژوهشی کنگره^۲ در سوّم مارس ۲۰۰۶ منتشر کرد، «اداره کل دموکراسی، حقوق بشر و امور کار» وزارت امور خارجه که با دفتر

1. Grant
2. Congressional Research Service

«برنامه همکاری خاورمیانه» در زمینه اعطای کمک‌های مالی همکاری می‌کند، طرح‌هایی را انتخاب خواهد کرد که به اولویت‌هایی همچون «توسعه فعالیت سیاسی حزبی، گسترش رسانه‌ها، حقوق کارگران، ترویج جامعه مدنی و ترویج احترام به حقوق بشر» پردازد (Paul, 2006, p. 30).

آن‌دسته از سازمان‌های غیردولتی که طرح‌هایشان به مسائل مربوط به ایران اختصاص دارد نیز می‌توانند از طریق برنامه‌های ترویج دموکراسی «آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا»^۱ از کمک‌های مالی دولت آمریکا برخوردار شوند. کل بودجه‌ای که این آژانس در سال مالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، به طرح‌های مربوط به «حکمرانی و دموکراسی» اختصاص داده است، به ترتیب ۱۲.۷ و ۱۴ میلیون دلار بوده است (United States Agency for International Development, 2008). مشخص نیست از این میزان چه مقدار صرف طرح‌های مربوط به ایران شده است. با این حال، این سازمان معیارهای انتخاب طرح‌های مرتبط با ایران را اعلام کرده است:

طرح‌ها باید به تحقق یک یا چند مورد از این هدف‌ها کمک کنند: تقویت و حمایت از سازماندهی جامعه مدنی؛ افزایش آگاهی درباره حاکمیت قانون و تقویت پایبندی به آن؛ گسترش آزادی تبادل اطلاعات. USAID در نظر دارد در مجموع تا سقف ۲۰ میلیون دلار به چندین طرح در این زمینه کمک مالی اعطا کند. طرح‌های ارائه شده می‌تواند بین ۱۰۰ هزار تا سه میلیون دلار هزینه داشته باشد و حداکثر در طول دو سال به مرحله اجرا برسد (United States Agency for International Development. Support for Civil...).

در میان شرایط دریافت کمک مالی از USAID ذکر شده است: «طرح‌هایی که جنبه آکادمیک و پژوهشی بر آن‌ها غالب باشد، بررسی نخواهد شد». همچنین، طرح‌هایی که هدف آن‌ها حمایت از احزاب سیاسی ایرانی یا پیشبرد برنامه‌های آن‌ها است، شرایط لازم را برای دریافت کمک مالی نخواهند داشت.

1. USAID (United States Agency for International Development)

دفتر امور ایران

با تأسیس «دفتر امور ایران»^۱، دولت بوش تلاش‌هایش را برای تقویت مخالفان جمهوری اسلامی نهادینه کرد. آدام ارلی^۲، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، در سوم مارس ۲۰۰۶ اعلام کرد این وزارتخانه قصد دارد دفتر امور ایران را به سه منظور راه‌اندازی کند:

۱. برای مدیریت و نظارت بر هزینه شدن بودجه مربوط به لایحه ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ کاندولیزا رایس؛
۲. برای تکمیل برنامه‌های دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه که مخاطب آن‌ها مردم ایران است؛
۳. برای تحت نظر قرار دادن تحولات ایران (US Department of State, 2006/C).

این دفتر زیرمجموعه اداره کل امور خاور نزدیک قرار گرفت و گروه کارکنان وزارت امور خارجه - که برخی از آن‌ها در واشنگتن و برخی در سایر مناطق جهان مستقر بودند - آن را اداره می‌کردند. به گفته ارلی، یکی از اعضای این تیم از کارکنان اداره حقوق بشر و امور کار وزارت امور خارجه خواهد بود و هشت نفر نیز از کارکنان دفترهای نمایندگی آمریکا در شهرهایی مانند دبی، لندن، فرانکفورت، باکو و استانبول هستند؛ شهرهایی که جمعیت ایرانی قابل توجهی در آن‌ها اقامت دارند.

ارلی در توضیح علت تعریف پست‌های جدید اداری برای این دفتر می‌گوید:
ایران کشور بسیار مهمی است و خواهد بود. ما به تربیت کادر جدیدی از کارکنان وزارت امور خارجه نیاز داریم؛ کسانی که به زبان فارسی مسلط باشند و منطقه را خوب بشناسند؛ نه فقط ایران را، بلکه منطقه‌ای که ایران در آن نفوذ و تأثیر دارد (Ibid).

1. Office of Iranian Affairs
2. Adam Ereli

در جلسه‌ای که با عنوان «سیاست آمریکا در قبال ایران» در محل کمیته روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا تشکیل شد، نیکولاس برنز^۱، معاون وقت وزارت امور خارجه، علت ایجاد پست‌های دیپلماتیک ویژه ایران را در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های آمریکا واقع در کشورهای دیگر توضیح داد. او همچنین به سابقه راه‌اندازی «ایستگاه ریگا»^۲ توسط دولت آمریکا در دهه ۱۹۲۰، برای جمع‌آوری اطلاعات درباره حکومت شوروی - که آن زمان فاقد سفارت آمریکا بود - اشاره کرد. به گفته برنز:

در آن زمان دیپلمات‌های جوانی مانند جرج کنان^۳ را به ریگا فرستادیم. در آنجا «ایستگاه ریگا» را تأسیس کردیم تا از فاصله نزدیک بتوانیم شوروی را زیر نظر بگیریم (2006).

در حقیقت، پست‌های اداری جدید نیز ایستگاه‌هایی در خدمت آمریکا و برای دیده‌بانی از ایران بودند.

ری تکیه^۴، عضو ارشد شورای روابط خارجی، در گفتگو با روزنامه فایننشال تایمز از این تصمیم جدید وزارت امور خارجه انتقاد کرده، می‌گوید:

دبی پر از مأموران اطلاعاتی ایران است. امروزه هر ایرانی مهاجری که روزها شغل درست و حسابی نداشته باشد، طرفدار دموکراسی می‌شود (Dinmore, 2006).

در تاریخ ۱۹ مه ۲۰۰۶، روزنامه لس آنجلس تایمز مقاله‌ای به قلم لورا روزن^۵ منتشر کرد. در این مقاله، فعالیت دفتر تازه‌تأسیس امور ایران، در ارتباط با «دفتر طرح‌های ویژه»^۶ پنتاگون تحلیل شده بود. به گفته روزن، «دفتر امور ایران» به‌طور

-
1. Nicholas Burns
 2. Riga Station
 3. George Kennan
 4. Ray Takeyh
 5. Laura Rozen
 6. Office of Special Plans

هماهنگ با واحد جدیدی در پنتاگون، با عنوان «دایره ایران»^۱، فعالیت خواهد کرد؛ واحدی که بخشی از مجموعه عرضه‌کننده سیاست به پنتاگون است و پیش از این «دفتر طرح‌های ویژه» نیز زیرمجموعه آن بود.

دفتر طرح‌های ویژه یک واحد تحلیل اطلاعات است که پیش از حمله به عراق تأسیس شد و فعالیت‌های بحث‌برانگیزی، مانند بها دادن به ادعاهای احمد چلبی داشت. به نوشته روزن: افراد زیر از جمله کسانی هستند که هم‌اکنون در «دایره ایران» مشغول به کارند یا به آن مشاوره می‌دهند:

سه تن از کارکنان سابق «دفتر طرح‌های ویژه»، با نام‌های: آبرام شولسکی^۲، رئیس سابق آن دفتر؛ جان تریگلیو^۳، از تحلیل‌گران آژانس اطلاعات دفاعی؛ لادن آرچین^۴، متخصص مسائل ایران (Rozen, 2006).

بنا به گزارش مجله نیویورکر، چارچوب بودجه ۸۵ میلیون دلاری «دستورکار آزادی ایران» را الیزابت چنی^۵، دختر معاون رئیس‌جمهور، تعیین کرد؛ کسی که در آن زمان، دستیار ارشد معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک بود. دو تن از کارشناسان بخش خاور نزدیک، به نام‌های جی اسکات کارپنتر^۶ و دیوید دنیهی^۷ با الیزابت چنی در این زمینه همکاری می‌کردند. حضور در حکومت انتقالی نیروهای ائتلاف پس از سقوط دولت صدام، از جمله سوابق این دو نفر است.

مدتی بعد، الیزابت چنی به ریاست «گروه سیاست و عملیات درباره ایران و سوریه»^۸ منصوب شد. این گروه در ماه مارس ۲۰۰۶ به‌منزله زیرمجموعه‌ای از معاونت خاور نزدیک تشکیل شده بود و تقریباً یک سال بعد، در اواخر ماه مه ۲۰۰۷

1. Iranian Directorate
2. Abram Shulsky
3. John Triglio
4. Ladan Archin
5. Elizabeth Cheney
6. J. Scott Carpenter
7. David Denehy
8. ISOG (Iran Syria Policy and Operations Group)

منحل شد؛ چراکه از نظر خیلی‌ها فعالیت آن بیشتر از جنس عملیات تغییر حکومت بود؛ یعنی شبیه همان کمیته مخصوصی که پیش از حمله به عراق تشکیل شده بود.

هم‌زمان با انحلال این کمیته، شبکه ABC News در ۲۲ مه ۲۰۰۷، در گزارشی اعلام کرد: رئیس‌جمهور آمریکا به سازمان سیا اجازه داده است تا با استفاده از «عملیات هماهنگی که شامل تبلیغات، ارائه اطلاعات نادرست، دست‌کاری ارزش پول ایران و مداخله در مبادلات مالی بین‌المللی این کشور بود»، برای سرنگونی دولت ایران اقدام کند. به گزارش این شبکه، مسئولیت هدایت این عملیات مخفی به الیوت ابرامز، معاون مشاور امنیت ملی سپرده شده بود. او قبلاً در کنار الیزابت چنی، مدیرت گروه منحل‌شده ISOG را برعهده داشت. ابرامز به‌علت فعالیت‌هایش در دوره رونالد ریگان، برای تغییر حکومت سان‌دینستا در نیکاراگوئه، در سال ۱۹۹۰ در دادگاه کیفری محاکمه شد. او در اکتبر ۱۹۹۱ اتهام خود مبنی بر «دو مورد تخلف از قانون و پنهان کردن اطلاعات در برابر کنگره» را پذیرفت و مجرم شناخته شد؛ اما جرج بوش پدر در اواخر سال ۱۹۹۲ او را عفو کرد.

سیمور هرش، نویسنده مجله نیویورکر نیز در سال ۲۰۰۸، در مقاله‌ای افشا کرد که کنگره آمریکا در اواخر سال ۲۰۰۷ با درخواست جرج بوش مبنی بر اختصاص دادن ۴۰۰ میلیون دلار برای عملیات مخفی سازمان سیا علیه ایران موافقت کرده بود.

به‌دنبال تأسیس دفتر امور ایران در وزارت امور خارجه، بیشتر مطبوعات در مطالب خود از دیوید دنیهی به‌عنوان رئیس آن یاد می‌کردند. مجله مسائل/امنیت بین‌الملل - که مقاله‌ای از دنیهی منتشر کرد - از او به‌عنوان «مشاور ارشد اداره کل خاور نزدیک وزارت امور خارجه و هماهنگ‌کننده «دستورکار آزادی ایران» در این اداره کل، در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷» یاد کرده است.

بر اساس اطلاعات مقاله‌ای به قلم نگار عظیمی که در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۰۷ در

مجله نیویورک تایمز منتشر شد:

[دنیهی از] فعالان قدیمی در امر ترویج دموکراسی در اروپای شرقی و آسیای میانه بوده، با مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه - یکی از بازوهای بنیاد وقف ملی برای دموکراسی که بودجه آن را کنگره آمریکا تأمین می‌کند - در این زمینه همکاری داشته است. او همچنین در زمان حمله به عراق از همکاران نزدیک پل ولفوویتز، معاون وقت وزارت دفاع بود و از ژوئن تا اکتبر ۲۰۰۳ در عراق کار می‌کرد (Azimi, 2007).

دنیهی در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۷ از سمت خود در وزارت امور خارجه استعفا کرد. مقاله دیوید دنیهی در مجله *مسائل امنیت بین‌الملل*، با عنوان «ضرورت دموکراسی در ایران»، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که او انگیزه‌ای جز براندازی نظام جمهوری اسلامی ندارد. او پس از برشمردن دلایل خود مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران تهدیدی حیاتی برای آمریکا است، عنوان می‌کند: راه حل این مشکل، «تکامل حکومت فعلی نیست، بلکه انقلاب است». به نوشته او:

پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان از رفتار نادرست حکومت ایران در صحنه بین‌المللی جلوگیری کرد، بسیار ساده است. کافی است ماهیت رابطه میان مردم ایران و رهبران آنها را تغییر دهید (Denehy, 2008).

دنیهی معتقد است بسیاری از مقدمات و لوازم انقلاب در ایران فراهم است: نیمی از جمعیت زیر ۲۴ سال سن دارند؛ این عده یا تعلق خاطری به انقلاب سال ۱۹۷۹ ندارند و یا تعلقشان بسیار اندک است؛ در ایران جمعیت شهروندان تحصیل کرده بسیار زیاد است و زمینه‌های بالقوه بسیاری برای نارضایتی از حکومت وجود دارد. به باور دنیهی، دولت آمریکا باید با ارائه کردن «طیفی گسترده از کمک‌های معنوی، فنی و مالی» زمینه به حرکت درآمدن و پرواز پروژه انقلاب را فراهم کند. در این میان، به نظر دنیهی، یکی از اقدام‌های مهم، سهم کردن ایرانیان مهاجر در این برنامه است؛ چراکه آنها می‌توانند مبحث آزادی را در داخل ایران گسترش دهند.

بی‌تردید، یکی از دلایل اصلی راه‌اندازی دفترهای ویژه ایران در نمایندگی‌های آمریکا در کشورهای دیگر، درگیر کردن ایرانیان مهاجر در پروژه «دستور کار آزادی

ایران» بوده است. کارکنان این دفترها نقش کارکنان سفارتخانه در سایه را ایفا می‌کنند. در بخش بعد به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

ریچارد هاس^۱، مدیر سابق بخش طراحی سیاست‌های وزارت امور خارجه در دوره کالین پاول و رئیس کنونی شورای روابط خارجی، به دنبال آغاز طرح جدید کاندولیزا رایس برای ایران، از اینکه این برنامه تناقض‌های فزاینده سیاست دولت بوش در قبال ایران را آشکار کند، ابراز نگرانی کرد. به نوشته روزنامه لس آنجلس تایمز، هاس گفته است:

ما به ایران می‌گوییم که در آینده قصد تغییر حکومت شما را داریم؛ اما فعلاً چون هنوز حکومت شما برقرار است، می‌خواهیم برای توقف برنامه هسته‌ای با شما مذاکره کنیم (Rozen, 2006).

هاس همچنین در گفتگو با مجله نیویورکر خاطرات دوران حضورش در وزارت امور خارجه را اینچنین مرور می‌کند:

من در اردوگاهی بودم و دفتر معاون اول رئیس‌جمهور و دفتر وزیر دفاع در اردوگاهی دیگر قرار داشت. ما دو مکتب فکری کاملاً متفاوت داشتیم: یک طرف معتقد بود: آمریکا باید با ایران «تعامل» کند و در مواردی که ایران حاضر به گفتگو است، به آن پیشنهاد گفتگو بدهد؛ همچنین اگر ما به خواسته‌هایمان برسیم، باید نتایج سودمند عینی و سیاسی را برای ایران هم در نظر بگیریم. مشکل این بود که در دولت آمریکا خیلی‌ها به ایده «تغییر حکومت» به شدت اعتقاد دارند. به نظر آن‌ها حکومت ایران آسیب‌پذیر شده است و هرگونه تعامل با آن، کمکی برای نجاتش خواهد بود.

من آن زمان اعتقاد داشتم که آن‌ها سخت در اشتباهند. هنوز هم چنین باوری دارم. تاریخ نشان داده است که آمریکا و ایران می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند (Bruck, 2006).

برخی از متخصصان امور ایران به نتایج طرح کاندولیزا رایس با دیده تردید نگریسته‌اند. آن‌ها معتقدند اجرای این طرح می‌تواند به منزله دخالت آمریکا در امور داخلی ایران قلمداد شود و به برانگیخته شدن احساسات ملی‌گرایانه در مردم ایران و نیز تشدید حمایت عمومی از برنامه هسته‌ای ایران بینجامد. ری تکیه، عضو ارشد شورای روابط خارجی از جمله این کارشناسان است. وی در گفتگو با روزنامه بوستون گلوب، درباره این طرح می‌گوید: «فکر نمی‌کنم این طرح به دموکراسی و نیز به حل مسئله ایران کمکی کند.»

در روز ۱۳ مارس ۲۰۰۶، ۱۰ روز پس از اعلام راه‌اندازی دفتر امور ایران، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) گزارش داد: دولت ایران مبلغ ۱۵ میلیون دلار برای «شناسایی و خنثی کردن» توطئه‌های دولت آمریکا و دخالت‌های این کشور در امور ایران اختصاص داده است. در همین روز، وزارت امور خارجه ایران نیز به تصمیم دولت آمریکا مبنی بر تخصیص ۷۵ میلیون دلار برای مقابله با دولت ایران اعتراض کرده، این اقدام را «حرکتی مداخله‌جویانه» توصیف کرد. این وزارتخانه در نامه‌ای، به دفتر حفاظت منافع آمریکا در سفارت سوییس در تهران اعلام کرد: اختصاص بودجه از سوی دولت آمریکا، برای فعالیت‌های براندازانه در ایران «نقض آشکار تعهدات آمریکا در بیانیه الجزایر مبنی بر دخالت نکردن در امور داخلی ایران است». در نامه وزارت امور خارجه ایران آمده است: «بر اساس بیانیه الجزایر، ایران حق خود را برای اقدام قانونی و سیاسی علیه نقض تعهدات از سوی دولت آمریکا محفوظ می‌دارد».

براساس بیانیه الجزایر در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، دولت آمریکا تعهد کرده است در امور داخلی ایران مداخله نکند. بر اساس ماده یک این توافقنامه:

آمریکا متعهد می‌شود سیاست این کشور، در حال حاضر و از این پس، بر دخالت نکردن در امور داخلی ایران، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی یا نظامی، استوار باشد (Mapp, 1993).

سفارتخانه‌های در سایه

بر اساس متن تلگرامی از وزارت امور خارجه آمریکا، در تاریخ ششم مارس ۲۰۰۶ – که از وضعیت محرمانه خارج شده بود – و «مرکز اقدام برای پیشرفت آمریکا»^۱ (اتاق فکر مستقر در واشنگتن) آن را در اینترنت منتشر کرد:

[دفتر امور ایرانیان بخشی از] طرحی است که ظرفیت‌های ما را برای واکنش متناسب به طیف گسترده‌ای از تهدیدهای ناشی از ایران افزایش می‌دهد؛ قابلیت‌های ما را برای برقراری ارتباط با مردم ایران و حمایت از خواسته‌های آنها برای استقرار آزادی و دموکراسی گسترش می‌دهد؛ در بلندمدت نیز به تربیت و استقرار مجدد کادر ورزیده‌ای از متخصصان امور ایران در وزارت امور خارجه خواهد انجامید. در ضمن، اقدام‌های اخیر بخشی از «راهبرد بازتعریف جایگاه دیپلماتیک آمریکا در سطح جهان»^۲ است و در راستای حمایت از «دیپلماسی تحول ساز»^۳ و «دستورکار آزادی رئیس‌جمهور»^۴ اجرا می‌شود (US Department of State, 2006).

این تلگرام از «راه‌اندازی سه طرح جدید ویژه ایران» در دبی، اروپا و واشنگتن خبر داده است. با راه‌اندازی دفتر مرکزی «حضور منطقه‌ای»^۵ در دبی و ایجاد چهار دفتر دیگر در نمایندگی‌های آمریکا در شهرهای باکو، استانبول، فرانکفورت و لندن، وزارت امور خارجه قصد داشت، ضمن افزایش گزارش‌های سیاسی و اقتصادی درباره ایران، برنامه‌های دیپلماسی عمومی خود را به سمت مردم ایران هدایت کند. همچنین در این تلگرام، سخن نیکلاس برنز درباره مقایسه دفترهای ویژه ایران با اقدام‌هایی که آمریکا در زمان جنگ سرد برای کنترل تحولات شوروی سابق انجام می‌داد، تکرار شده، از دفتر حضور منطقه‌ای دبی به عنوان نمونه‌ای از الگوی ایستگاه ریگا یاد شده است.

1. Center for American Progress Action Fund
2. Global Diplomatic Repositioning Strategy
3. Transformational Diplomacy
4. President's Freedom Agenda
5. Regional Presence Post

با بهره‌گیری از «نزدیکی دبی به ایران و نیز امکان دسترسی به مهاجران ایرانی - که جمعیتی چندصدهزار نفری را در این امیرنشین تشکیل می‌دهند - دفتر دبی به‌منزله حلقه مرکزی شبکه دفتراهای حضور منطقه‌ای عمل خواهد کرد. شبکه‌ای که مجموعه بخش‌های مختلف آن نقش سفارت در سایه را ایفا خواهند کرد.

در دفتر دبی، چهار کارشناس وزارت امور خارجه که زبان فارسی را به‌خوبی می‌دانند، حضور دارند. مسئولیت‌های آن‌ها عبارت است از: مدیر دفتر، معاون دفتر/مسئول دیپلماسی عمومی، گزارشگر، تحلیلگر اقتصادی و دیده‌بان (یا کارشناس سیاسی) ایران که پیشتر هم در دبی مستقر بود. علاوه بر این، یک مدیر امور اداری و چهار کارمند امور محلی نیز در این دفتر مشغول به کارند. مدیر دفتر بر فعالیت سایر کارکنان نظارت می‌کند و اجازه دارد تا «به عنوان نماینده دولت آمریکا، درباره مسائل ایران با مسئولان دولت محلی، نمایندگان بخش خصوصی و خبرنگاران رسانه‌ها گفتگو کند» (US Department of State, 2006).

معاون دفتر وظیفه برنامه‌ریزی و هماهنگی طرح‌های دیپلماسی عمومی برای مردم ایران، به‌ویژه ۵۶۰,۰۰۰ ایرانی مهاجر در منطقه و ۱۰,۰۰۰ دانشجوی ایرانی در امارات متحده را بر عهده دارد. در تلگرامی که پیشتر از آن یاد شد، نه وظیفه مشخص برای معاون دفتر تعریف شده است. یکی از وظایف معاون، تلاش برای افزایش مشارکت ایرانیان در «برنامه همکاری خاورمیانه» (MEPI) و نیز برنامه‌های اداره کل دموکراسی، حقوق بشر و امور کارگران وزارت امور خارجه (DRL) است. او مأموریت دارد:

از طریق برگزاری سخنرانی‌های مرتبط با ایران، برگزاری نشست‌های دیجیتالی از طریق ویدئو کنفرانس و برگزاری دوره‌های تحصیلی «مطالعات آمریکا»، تعامل با مردم ایران و جمعیت عظیم ایرانیان ساکن امارات را افزایش دهد و سیاست‌های آمریکا را درباره دموکراسی، حقوق بشر، تروریسم و گسترش ندادن [سلاح‌های کشتار جمعی] ترویج کند (Ibid).

معاون دفتر همچنین مسئولیت دارد برای حمایت از سازمان‌های سیاسی و مدنی ایران راه‌هایی پیدا کند؛ راه‌هایی مثل: حمایت مالی یا مشارکت دادن این سازمان‌ها در

طرح‌هایی که دولت آمریکا از آن‌ها حمایت می‌کند. سازماندهی «مجموعه‌ای از همایش‌ها دربارهٔ ایران که سازمان‌های غیردولتی برگزارکنندهٔ آن هستند»، از جملهٔ این طرح‌هاست. او همچنین وظیفه دارد در شناسایی گروه‌های ایرانی طرفدار دموکراسی، در داخل و خارج از این کشور، به مسئولان MEPI و DRL کمک و به آن‌ها مشاوره بدهد. در ضمن، معاون دفتر موظف است در مشورت با کارشناس سیاسی، در مواقع لزوم، دولت آمریکا را از «ضرورت صدور بیانیه به نفع چهره‌های مخالف دولت ایران» آگاه کند (Ibid).

تعامل با دانشجویان ایرانی از وظیفه‌های دیگر معاون دفتر است. او باید با همکاری دانشگاه‌های آمریکا، سمینارهایی دربارهٔ «تحصیل در آمریکا» برگزار کند تا برای «جذب دانشجویان ایرانی» زمینه‌های لازم فراهم شود. همچنین معاون دفتر موظف است برای راه‌اندازی رشتهٔ «مطالعات آمریکا» در دانشگاه‌های امارات هماهنگی‌های لازم را انجام دهد. هدف اصلی و مخاطب این دوره‌ها، دانشجویان ایرانی است.

در راستای سیاست کاندولیزا رایس - که معتقد بود جمعیت دانشجوی ایرانی در آمریکا باید به شکل چشمگیری افزایش یابد - معاون دفتر باید به دانشجویان ایرانی علاقه‌مند به تحصیل در آمریکا مشاوره‌های لازم را ارائه کند. او همچنین وظیفه دارد نامزدهای مناسب شرکت در برنامهٔ آموزشی و تبادل فرهنگی وزارت امور خارجه را شناسایی کرده، به پرونده‌های اداری آن‌ها رسیدگی کند.

کارشناس اقتصادی مستقر در دفتر دبی موظف است دربارهٔ تحولات اقتصادی ایران، به‌ویژه در بخش صنعت نفت، گزارش‌هایی تهیه و برای واشنگتن ارسال کند. مهم‌ترین اطلاعاتی که آمریکا در این حوزه به آن نیاز دارد، تحلیل مشکلات بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران، به‌ویژه صنعت نفت، و نیز اطلاعات مربوط به «تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی، تأثیر تحریم‌ها، و روابط تجاری ایران با سایر کشورها و

شرکت‌های منطقه‌ای و جهانی است». تهیه گزارش‌هایی درباره فساد مالی در میان مسئولان ایرانی، از دیگر مسئولیت‌های کارشناس اقتصادی است (Ibid).

وظیفه چهار کارشناس دیگر دفتر ویژه ایران در کشورهای اروپایی این است که با جامعه ایرانیان مهاجر در کشورهای نام‌برده ارتباط برقرار کنند و «اطلاعات و تحلیل‌هایی درباره تحولات درونی جامعه ایرانیان مهاجر» و «فعالیت‌های دیپلماتیک ایران در این کشورها» تهیه و به واشنگتن ارسال نمایند.

این تلگرام اشاره می‌کند که این کارشناسان هر فعالیتی را «پس از مشورت با دولت‌های اروپایی انجام می‌دهند». مأمور ویژه ایران در استانبول مسئولیت ارتباط با جامعه ایرانیان ساکن در استانبول، آنکارا، آدانا و تل آویو را برعهده دارد. مأموران ویژه ایران در فرانکفورت و لندن موظفند بر تحولات جامعه ایرانیان ساکن آلمان و انگلستان نظارت داشته باشند. مسئول دفتر ایران در باکو موظف است با ایرانیان مقیم باکو، و نیز ایرانیان منطقه قفقاز و ترکمنستان ارتباط برقرار کند؛ همچنین به‌طور خاص باید «مسائل نفتی مربوط به حوزه دریای خزر» را زیر نظر داشته باشد (Ibid).

«دفتر امور ایران» در وزارت امور خارجه نقش «حلقه واسط» میان «شبکه دفترهای ویژه ایران در سایر کشورها» را برعهده دارد و وظیفه آن عرضه سیاست‌های هدایتی به این دفترها و نیز هماهنگی امور مربوط به ایران است. این دفتر همچنین مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر صرف بودجه ترویج دموکراسی در ایران را برعهده دارد. نظارت بر عملکرد سازمان‌هایی که از کمک مالی دولت آمریکا برخوردار شده‌اند، تهیه گزارش پیشرفت کار آنها و ارسال آن برای وزارت خزانه‌داری، ارتباط با اعضای کنگره، و ایفای نقش واسط میان دولت آمریکا، سازمان‌های غیردولتی آمریکایی و ایرانیان مهاجر، از دیگر وظایف «دفتر امور ایران» است (Ibid).

واکنش کنگره به طرح ۲۰۰۶ کاندولیزا رایس

در روز چهارم آوریل ۲۰۰۶، کاندولیزا رایس با حضور در کنگره از طرح ۷۵ میلیون دلاری خود برای ترویج دموکراسی در ایران دفاع و اشاره کرد: آمریکا باید اعتراض خود را نسبت به رفتاری‌های مردم ایران اعلام کند. او در برابر اعضای کمیته تخصیص بودجه مجلس نمایندگان گفت: «فکر نمی‌کنم حرف زدن با زبان نرم درباره مشکل دموکراسی در ایران، راه حل مناسبی باشد» (Rice, 2007).

در این جلسه دیوید اوبی^۱، نماینده دموکرات از ایالت ویسکانسین، گفت که او امید چندانی به موفقیت این طرح در برقراری ارتباط با مردم ایران ندارد. وی افزود: این طرح به راحتی می‌تواند بسته‌ای برای ایجاد بی‌ثباتی معرفی شود و دولت ایران آن را بی‌اعتبار کند. این نماینده همچنین علنی بودن این طرح را زیر سؤال برده، پرسید:

اگر بنا است ما به فعالیت‌هایی مانند آنچه در این طرح ذکر شده است، مشغول شویم، چرا باید تا این اندازه آشکار و علنی به آن‌ها بپردازیم؟ این کار به رژیم ایران اجازه می‌دهد که ادعا کند هرگونه اطلاعاتی که تولید می‌شود، اطلاعات نادرستی است که منشأ آن آمریکاست. مقصودم این است که چرا در این زمینه باید آنقدر علنی اقدام کنیم که رژیم ایران به راحتی بتواند ما را به دخالت در امور داخلی خود متهم کند؟ (Ibid)

رایس پاسخ داد: بسیاری از مأمورین ویژه ایران و نیز افرادی که به این کشور سفر کرده‌اند، باور دارند که مردم ایران می‌خواهند صدای دولت آمریکا درباره مشکلات کشورشان بلندتر شود. او اضافه کرد: تجربه جنگ سرد به ما نشان می‌دهد مردم ایران نیز احتمالاً پیام‌های آمریکا را رد نخواهند کرد. «به نظر من باید در این زمینه بسیار علنی عمل کنیم»؛ زیرا فرآیند تصویب بودجه، دولت را ملزم می‌کند درباره برنامه ایران به طور علنی اقدام کند.

با این حال، یکی از مسئولان ارشد وزارت امور خارجه در جلسه غیررسمی با اهالی مطبوعات درباره طرح ویژه ایران در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۶، گفت: بخش‌هایی از این برنامه به‌طور محرمانه اجرا خواهد شد. وی افزود:

ما نمی‌خواهیم به اشخاصی که به آن‌ها کمک می‌کنیم، آسیبی برسانیم. ... خیلی خوب می‌فهمیم که وقتی با اشخاصی شروع به کار می‌کنیم، آن‌ها به هدف‌هایی [برای دولت ایران] تبدیل می‌شوند؛ بنابراین، گمان می‌کنم شما در مواردی خواهید دید که ما نمی‌توانیم مثل طرح‌های دیگر به‌طور شفاف عمل کرده، نام افرادی را که با آن‌ها کار می‌کنیم، اعلام نماییم (Ibid).

بر اساس گزارش مرکز خدمات پژوهشی کنگره در تاریخ ژانویه ۲۰۰۹، وزارت امور خارجه در سال ۲۰۰۸ تمدید بودجه ۷۵ میلیون دلاری ویژه ایران را درخواست کرد و کنگره با پرداخت ۶۰.۷ میلیون دلار موافقت کرد (Katzman, 2009). از این رقم، مبلغ ۲۱.۶ میلیون دلار برای فعالیت‌های ترویج دموکراسی، از جمله «تلاش‌های غیرخشونت‌آمیز به‌منظور مقابله با دخالت ایران در سایر کشورها» اختصاص یافت (Ibid). همچنین مبلغ ۷.۹ میلیون دلار دیگر نیز به اداره کل دموکراسی و امور کارگران در وزارت امور خارجه تعلق گرفت تا به‌عنوان «بودجه توسعه» هزینه شود. به برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی مبلغ ۵.۵ میلیون دلار و به تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ۳۳.۶ میلیون دلار اختصاص یافت.

وزارت امور خارجه برای سال ۲۰۰۹ نیز مبلغ ۶۵ میلیون دلار برای «حمایت از خواسته‌های مردم ایران برای داشتن جامعه‌ای باز و دموکرات، از طریق ترویج جامعه مدنی، مشارکت مدنی، آزادی رسانه، و آزادی دسترسی به اطلاعات» از کنگره درخواست کرده است. مبلغ ۲۰ میلیون دلار از این رقم صرف ترویج دموکراسی در ایران و مقابله با نفوذ این کشور در لبنان، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه خواهد شد» (Ibid).

نکته قابل توجه این است که کمیته تخصیص بودجه کنگره، در ابتدا تنها با اختصاص ۲۵ میلیون دلار به برنامه‌های ترویج دموکراسی در ایران موافقت کرده بود؛

زیرا نمایندگان نگرانی‌های مختلفی در این زمینه داشتند. از جمله این نگرانی‌ها کافی نبودن دلایل وزارت خارجه برای درخواست بودجه بیشتر، ناتوانی وزارت امور خارجه در هزینه کردن اعتبارات اختصاص یافته برای سال ۲۰۰۶، و نیز تهدیدهایی بود که متوجه دریافت‌کنندگان این کمک‌های مالی می‌شود.

سناتور دموکرات پاتریک لی‌هی^۱ دغدغه‌های کمیته تخصیص بودجه کنگره را این‌گونه توضیح می‌دهد:

این کمیته از هدف ترویج دموکراسی در ایران دفاع می‌کند؛ اما در مجموع، تنها یک صفحه مطلب به عنوان دلایل توجیهی اختصاص ۷۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار به این برنامه دریافت کرده‌ایم (Department of State, 2007).

سناتور لی‌هی آنگاه پیشنهاد می‌کند: دولت هزینه مورد نیاز برای برنامه ترویج دموکراسی در ایران را در پوشش دیگر ردیف‌های بودجه پنهان کرده، آن را از محل سایر برنامه‌های خود تأمین کند.

در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۷، اندر کرنشاو^۲، نماینده جمهوری خواه، و سناتور جو لیبرمن^۳ اصلاحیه‌هایی برای مصوبه کمیته پیشنهاد کردند. براساس این اصلاحیه‌ها، بودجه ترویج دموکراسی در ایران به ترتیب به ۵۰ و ۷۵ میلیون دلار افزایش می‌یافت (Lieberman, 2007). در نهایت، به دنبال نشستی که برای مصالحه میان اعضای مجلس نمایندگان و مجلس سنا برگزار شد، کنگره بودجه ۶۰ میلیون دلاری را برای ترویج دموکراسی در ایران در سال ۲۰۰۸ تصویب کرد (Consolidated Appropriations Act, 2008, 2007).

وزارت امور خارجه در چهارم ژوئن ۲۰۰۷ گزارشی از نحوه صرف شدن بودجه سال ۲۰۰۶ (ویژه ایران) منتشر کرد. بر اساس این گزارش، از کل بودجه ۲۰ میلیون دلاری که به ترویج دموکراسی در ایران اختصاص یافته بود، مبلغ ۱۶.۰۵ میلیون دلار

1. Patrick Leahy
2. Ander Crenshaw
3. Joe Lieberman

در سال ۲۰۰۶ هزینه شده است. ۱۱.۹ میلیون دلار از این مبلغ را «طرح همکاری خاورمیانه» (MEPI) و مبلغ ۴.۱۵ میلیون دلار را «اداره کل دموکراسی، حقوق بشر و امور کار» هزینه کرده است. از اعتبار پنج میلیون دلاری برای برنامه‌های اطلاع‌رسانی نیز مبلغ ۱.۷۷ میلیون دلار هزینه شده و مبلغ ۲.۲۲ میلیون دلار نیز از محل اعتبار پنج میلیون دلاری اداره کل آموزشی و فرهنگی هزینه شده است (US Department Of State, 2007).

در اواخر سپتامبر ۲۰۰۸، باربارا لی^۱، نماینده دموکرات، «قانون مصوب ۲۰۰۸ برای تعامل منصفانه با ایران»^۲ را به کنگره پیشنهاد کرد. تصویب این قانون، انجام هرگونه عملیات مخفی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و وزارت دفاع را برای سرنگونی دولت ایران (به جز در شرایط جنگ) ممنوع می‌کرد (Lee, 2008).

سرمنشأ این طرح، اقدام ناموفق باربارا لی برای تصویب اصلاحیه‌ای در کمیته ویژه مجلس نمایندگان، هنگام بررسی «قانون نحوه تأیید عملیات اطلاعاتی» (H.R. 5959) بود. اگر اصلاحیه مذکور تصویب می‌شد، هرگونه استفاده از بودجه‌های اطلاعاتی برای طراحی عملیات مخفی براندازی یا تداوم برنامه‌های موجود برای سرنگونی دولتهایی که عضو سازمان ملل هستند، ممنوع می‌شد. با این حال، کنگره تاکنون برای ممنوعیت استفاده از بودجه‌های ترویج دموکراسی برای تغییر حکومت، اقدامی نکرده است (Ibid).

بنیاد وقف ملی برای دموکراسی

دولت بوش در تلاش‌های منسجم خود برای سست کردن بنیان جمهوری اسلامی، از تمام ابزارهای در دسترس دیپلماسی عمومی (از جمله بنیاد وقف ملی برای دموکراسی)، برای تحت تأثیر قرار دادن نخبگان و عموم مردم ایران استفاده کرد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، وزیر امور خارجه، کاندولیزا رایس، در سخنرانی‌اش در

1. Barbara Lee
2. Fair Dealing with Iran Act of 2008

تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ یادآوری کرد: ۲۵ میلیون دلار از این بودجه (که کنگره آن را به ۲۰ میلیون افزایش داد) به این منظور درخواست شده بود که از طریق NED و دو سازمان اعانه‌بگیر هم‌خانواده آن (یعنی انستیتوی جمهوری خواه بین‌الملل^۱ و انستیتوی دموکراتیک بین‌الملل^۲) توزیع شود. به گفته رایس، دولت آمریکا از طریق این سازمان‌ها آموزش‌های مدنی مورد تأیید خود را اعمال کرده، همچنین از «سازمان‌دهی اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های سیاسی ایران» حمایت خواهد کرد.

نقش NED در دولت بوش، بیشتر به تأثیرگذاری در محیط سیاسی خاورمیانه معطوف بود. جورج دبلیو بوش در مطالبی که به مناسبت بیستمین سالگرد این نهاد در سال ۲۰۰۳ گفت، از دگرگونی سیاسی خاورمیانه ناشی از دخالت‌های آمریکا، به‌منزله یکی از هدف‌های جنگ عراق یاد کرد؛ ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود (Ibid).

بوش از کنگره تقاضا کرد: بودجه‌ای را که برای NED تصویب کرده است، از ۴۰ میلیون دلار (در سال مالی ۲۰۰۴) به ۸۰ میلیون دلار (در سال مالی ۲۰۰۵) افزایش دهد. در ابتدا، کنگره این بودجه را به ۵۹.۸ میلیون دلار افزایش داد. با اضافه شدن ۱۹.۸ میلیون دلار بودجه اختصاصی برای مناطق و کشورهای خاص، بودجه نهایی NED برای سال مالی ۲۰۰۵ به ۷۹ میلیون دلار رسید. این بودجه افزایش یافته مختص تلاش برای ترویج دموکراسی در خاورمیانه بود. دولت دوباره در بودجه فوریه ۲۰۰۶ خود، برای NED تقاضای ۸۰ میلیون دلار کرد و از این میزان ۷۴.۱ میلیون آن تأیید شد (Epstein, 2006).

NED را کنگره در سال ۱۹۸۳ به موجب قانون عمومی ۱۹۴ - ۹۸ و به‌منزله یکی از ابزارهای گوناگون ترویج دموکراسی در جهان تأسیس کرد. این قانون همچنین تصویب بودجه توسط کنگره را برای حمایت از رشد نهادهای به‌اصطلاح دموکراتیک در خارج، از طریق آژانس اطلاعاتی آمریکا^۳، آژانس آمریکا برای توسعه بین‌الملل^۱ و

1. International Republican Institute
2. National Democratic Institute
3. USIA (United States Information Agency)

وزارت خارجه مجاز دانست. NED برای برعهده گرفتن وظایف و اقداماتی که سیا (CIA) در دهه‌های نخستین جنگ سرد، به‌طور مخفیانه انجام می‌داد، تأسیس شد. آلن وینستین^۲، رئیس وقت NED، در سال ۱۹۸۴ در مصاحبه با واشنگتن پست می‌گوید: «بسیاری از کارهایی که امروزه انجام می‌دهیم، سیا بیست‌وپنج سال پیش به‌طور مخفیانه انجام می‌داد» (Ignatius, 1991). NED ارتباط خود را با سیا در صفحه تاریخ پایگاه اینترنتی خود به‌وضوح بیان می‌کند:

متعاقب جنگ جهانی دوم، سیاست‌گذاران آمریکا - که با تهدیدهایی علیه دوستانمان مواجه شده بودند و هیچ سازوکاری برای کمک سیاسی به آن‌ها وجود نداشت - به راه‌کارهایی مخفی شامل ارسال سرّی مشاوران، تجهیزات، و بودجه (به منظور حمایت روزنامه‌ها و احزابی که در اروپا در محاصره حکومت‌هایشان قرار داشتند) متوسّل شد.

هنگامی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ افشا شد که سیا به‌طور مخفی بودجه برخی از سازمان‌های داوطلبانه خصوصی آمریکایی را، به‌منظور برپا کردن نبرد افکار در عرصه‌های بین‌المللی، تأمین می‌کند، دولت جانسون به این نتیجه رسید که این کار باید متوقف شود. او در عوض، بنیان‌گذاشتن «سازوکار خصوصی - دولتی» را برای تأمین علنی بودجه فعالیت‌های برون‌مرزی توصیه کرد (Lowe, 2008).

برخی تردیدی ندارند که فعالیت‌های ترویج دموکراسی NED چیزی جز ترقی دادن سیاستمداران و احزاب سیاسی مورد توجه آمریکا در خارج، به هزینه مالیات‌دهندگان آمریکایی نیست. چنانکه ران پاول^۳ از نمایندگان کنگره، می‌نویسد: «این حقیقتی اُرولی خواهد بود که دست‌کاری انتخابات‌های خارجی توسط آمریکا را «ترویج دموکراسی» بنامیم» (Paul, 2003). به‌ویژه آنکه در کشورهای فقیر، تزریق

-
1. USAID (United States Agency for International Development)
 2. Allen Weinstein
 3. Ron Paul

صدهزار دلار، نتایج انتخابات را به نفع سیاستمدارانی که به آن‌ها کمک شده است، تحریف خواهد کرد. ران پاول می‌پرسد:

اگر چینی‌ها در آمریکا، میلیون‌ها دلار برای حمایت از یک کاندیدای مشخص که به نظرشان با آن‌ها موافق است، هزینه کنند، آمریکایی‌ها چه احساسی خواهند داشت؟ (Ibid)

اگرچه کل بودجه NED را دولت آمریکا تأمین می‌کرد، این نهاد خود را «سازمان خصوصی و غیرانتفاعی که در سال ۱۹۸۳ برای تقویت نهادهای دموکراتیک جهان و از طریق تلاش‌های غیردولتی ایجاد شده است»، معرفی می‌کند. طبق گزارش سالانه این نهاد، ۹۹.۸ درصد (۱۰۶۴۰۸۳۶۳ دلار) از کل بودجه‌ای را که عاید آن شده (۱۰۶۵۸۱۸۶۳ دلار)، حکومت آمریکا تأمین کرده است. دودهم درصد دیگر (۱۷۳۵۰۰ دلار) نیز از منابع غیردولتی تأمین شده است.

به نظر می‌رسد ساختار سازمانی به هم پیچیده، مبتنی بر این پیش‌فرض است که اگر پول دولتی از صافی لایه‌های کافی دیوان‌سالاری بگذرد، دیگر بودجه‌ای خصوصی خواهد بود. چنین پیش‌فرض گمراه‌کننده‌ای، خطرناک و غیرمنطقی است (Conry, 1993).

بیش از نصف کمک‌های مالی NED به چهار اعانه‌بگیر اصلی آن - که به دو حزب سیاسی آمریکا، سازمان‌های کارگری آمریکا و بخش حافظ منافع تجارت سازمان‌یافته وابسته‌اند - سرازیر می‌شود. خانواده NED متشکل است از:

- مؤسسه بین‌المللی حزب جمهوری خواه^۱؛
- مؤسسه ملی حزب دموکرات برای امور بین‌الملل^۲؛
- مرکز بین‌المللی برای فعالیت اقتصاد خصوصی^۳ (که وابسته به اتاق بازرگانی آمریکا است)؛

1. IRI (Republican Party's International Republican Institute)
 2. NDIIA (Democratic Party's National Democratic Institute for International Affairs)
 3. CIPE (Center for International Private Enterprise)

- مرکز بین‌المللی آمریکایی برای همبستگی کارگری^۱ وابسته به AFL-CIO.

سخنگوی سابق مجلس نمایندگان، ریچارد آ. گفارت^۲، رئیس کنونی NED است.

فعالیت‌های NED در ایران و کنش‌گران غیردولتی

یکی از مسیرهای موجود برای کنش‌گران غیردولتی، به‌منظور مشارکت در اقدام‌های دیپلماسی عمومی آمریکا، اجرای طرح‌ها تحت عنوان دریافت‌کنندگان اعانه از NED است. بر اساس بانک اطلاعاتی طرح‌های مربوط به دموکراسی NED، موجود در اینترنت، گروه‌های زیر بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ از این نهاد اعانه دریافت کرده‌اند:

- مؤسسه معلمان ایران^۳ در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ (در کل ۳۱۶۸۶۰ دلار)؛
- بنیاد دموکراسی در ایران^۴ در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ (در کل ۷۵۰۰۰ دلار)؛
- شورای ملی ایرانی - آمریکایی^۵ در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ (در کل ۱۹۶۰۰۰ دلار)؛
- مشارکت یادگیری زنان^۶ در سال ۲۰۰۳ (۱۱۵۰۰۰ دلار)؛
- بنیاد عبدالرحمن برومند^۷ در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ (در کل ۴۵۰۰۰۰ دلار)؛
- مشارکت جهانی صداهای زنده^۸ در سال ۲۰۰۴ (۴۰۵۰۰ دلار)؛
- مؤسسه امور جهانی در سال ۲۰۰۵ (۴۵۸۰۰ دلار)؛
- آموزش مدنی و حقوق بشر^۱ در سال ۲۰۰۶ (۱۰۰۰۰۰ دلار)؛

1. ACILS (Center for International Private Enterprise)
2. Richard A. Gephardt
3. Iran Teachers Association
4. Foundation for Democracy in Iran
5. National Iranian American Council
6. Women's Learning Partnership
7. Abdorrahman Boroumand Foundation
8. Vital Voices Global Partnership

- آزادی اطلاعات و حقوق بشر^۲ در سال ۲۰۰۷ (مبلغ گزارش نشده است).
- به علاوه، سه دریافت‌کننده اصلی اعانه از NED در میان دریافت‌کنندگانی بودند که روی ایران متمرکز شده‌اند:
- مرکز بین‌المللی برای فعالیت اقتصاد خصوصی^۳ در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ (در کل ۲۱۲۴۹۷)؛
- مؤسسه بین‌المللی حزب جمهوری خواه^۴ در سال ۲۰۰۵ (۱۱۰۰۰۰)؛
- مرکز بین‌المللی آمریکایی برای همبستگی کارگران^۵ در سال ۲۰۰۵ (۱۸۵۰۰۰ دلار).

NED همچنین یک پایگاه اینترنتی فارسی با نام پنجره دارد که مخاطبین آن ایرانیان و جمعیت افغانستان است. در حالی که به نظر می‌رسد اطلاعاتی که این پایگاه برای مخاطبان افغان عرضه می‌کند، مثل کتابی درباره حقوق خانواده، ملایم و بی‌خطر است، اطلاعات مربوط به مخاطبان ایرانی آشکارا از تغییر حکومت در ایران حمایت می‌کند. ارائه ترجمه فارسی کتاب نبرد غیرخشونت‌آمیز - ۵۰ نکته محوری - یک رویکرد راهبردی به تاکتیک‌های روزمره^۶، از ویژگی‌های دیگر این پایگاه است (Popovic, 2006).

این کتاب از آثاری است که مرکز راهبردها و کنش غیرخشونت‌آمیز کاربردی^۷ در بلغراد صربستان آن را منتشر کرده است و فایل الکترونیکی آن از پایگاه اینترنتی این مرکز به پنج زبان (فرانسه، اسپانیایی، انگلیسی، فارسی و عربی) در دسترس است.

1. Civic Education and Human Rights
2. Freedom of Information and Human Rights
3. CIPE (Center for the International Private Enterprise)
4. IPI (International Republican Institute)
5. ACILS (American Center for International Labor Solidarity)
6. Nonviolent Struggle – 50 Crucial Points – A Strategic Approach to Everyday Tactics
7. CANVAS (Center for Applied Non-Violent Action and Strategies)

CANVAS سازمانی مردم‌نهاد است که آن را فعالان ضد اسلوبودان میلوسویچ^۱ در سال ۲۰۰۳ و پس از برکناری او در سال ۲۰۰۰ تأسیس کرده است. براساس اطلاعات پایگاه اینترنتی این سازمان:

آموزش‌دهندگان و مشاوران CANVAS از طریق انتقال دانش راهبردها و تاکتیک‌های مبارزه غیرخشونت‌آمیز، از جنبش‌های دموکراتیک غیرخشونت‌آمیز حمایت می‌کنند (2008).

CANVAS ایران را در لیست پنج کشوری که گفته می‌شود صحنه «جنبش‌های غیرخشونت‌آمیزی است که برای برانداختن رژیم مستبد خود مبارزه می‌کنند»، قرار می‌دهد (Milivojevic, 2006). چهار کشور دیگر عبارت‌اند از: بلاروس، برمه، زیمباوه و پاپوای غربی. این مطالب در بخشی با عنوان «آموزش جامعه مدنی» آمده است. از گزارش‌های مربوط به کنفرانس دبی که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، آشکار می‌شود، به‌ظاهر کارگاه مرکز مستندسازی حقوق بشر در ایران^۲ - که وزارت خارجه آمریکا آن را در دبی دایر کرده بود - از همین گروه برای آموزش مخالفان ایرانی در امر براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است (Azimi, 2007).

خانه آزادی

«خانه آزادی»^۳ یکی دیگر از کنش‌گران مهم دیپلماسی عمومی آمریکا در برابر ایران است. گفته می‌شود خانه آزادی (مثل بنیاد وقف ملی برای دموکراسی) «سازمان مستقل غیردولتی» است که بیش از ۸۰ درصد از بودجه سالانه خود را از طریق اعتباراتی که کنگره به آن اختصاص می‌دهد و نیز از طریق کمک‌های دولتی به‌دست می‌آورد. فرم ۹۹۰ عودت مالیاتی^۴ خانه آزادی در سال ۲۰۰۶، به این مطلب اشاره می‌کند که حدود

-
1. Slobodan Milosevic
 2. Human Rights Documentation Center
 3. Freedom House
 4. Form 990 Tax Return

۸۵.۴ درصد (۲۲۴۳۶۸۸۳ دلار) از مجموع عایدی خانه آزادی (۲۶۲۶۶۸۷۸ دلار) را مشارکت‌های دولتی تأمین کرده است.

این سازمان را وندل ویلکی^۱ و النور روزولت^۲ در سال ۱۹۴۱، به‌منظور تقویت حمایت عمومی از تلاش رئیس‌جمهور وقت، فرانکلین روزولت، و برای ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم تأسیس کردند. بلافاصله پس از خاتمه یافتن جنگ، «خانه آزادی مبارزه علیه تهدید تمامیت‌خواه قرن بیستم، یعنی کمونیسم را شروع کرد». امروزه دستور کار این سازمان مبارزه با تهدید «اسلام رادیکال» است (Ibid).

فاینشنال تایمز در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۶ گزارش داد: خانه آزادی در میان سازمان‌های مردم‌نهاد گوناگونی قرار دارد که «وزارت خارجه برای انجام فعالیت‌های مخفی در ایران انتخاب کرده است» (Dinmore, 2006). مارک پالمر^۳، نایب‌رئیس هیئت‌امنای خانه آزادی، در نطقی در سال ۲۰۰۶ در حضور کمیته روابط خارجی سنا، از افزایش بودجه دولت آمریکا برای سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌منظور کمک به حمایت از براندازی غیرخشونت‌آمیز حکومت‌هایی که آمریکا آنان را غیردموکراتیک می‌داند، دفاع کرد. به نظر پالمر، سرمایه‌گذاری باید از کشورهایی که خود دموکراتیک هستند، به سمت ملت‌های «در بند» دارای اولویت بیشتر، تغییر جهت بدهد (Palmer, 2006). پالمر درباره تلاش‌های خانه آزادی در این زمینه گفت:

بودجه سازمان مردم‌نهاد ما به‌طرز چشمگیری به آموزش اختصاص می‌یابد. تصور کنید که اگر جنبش ملی دانشجویی ایران رادیوی خود و بنابراین صدای خود را داشته باشد، چه میزان اعتبار و تأثیر خواهد داشت (Ibid, p. 3). او همچنین با گفتن اینکه: «براندازی غیرخشونت‌آمیز دقیقاً موضوع اصلی ذهن بسیاری از ایرانیان است» (Ibid)، از تغییر حکومت در ایران دفاع کرد. پالمر پیشنهاد کرد که حکومت آمریکا «صندوق مستقلی برای رادیو و تلویزیون» تأسیس کند؛ صندوقی که

-
1. Wendell Willkie
 2. Eleanor Roosevelt
 3. Mark Palmer

هیئت امنای خود را داشته باشد تا تضمین کند ایستگاه‌هایی که حمایت مالی دریافت می‌کنند، به استانداردهای بین‌المللی پخش وفادارند و انتقال غیرخشونت‌آمیز به دموکراسی را ترویج می‌کنند (Ibid).

به‌نظر پالمر، چنین صندوقی می‌تواند سالانه ۱۰۰ میلیون دلار هزینه کند. پالمر در مقام رئیس هیئت‌امنای خانه آزادی، از بازگشت به تأمین مخفی بودجه رسانه‌های به‌ظاهر محلی، یعنی تأسیس و تأمین بودجه مخفیانه رادیو اروپای آزاد و سایر ایستگاه‌هایی که در گروه آن قرار می‌گیرند، توسط سیا دفاع می‌کند. او همچنین توصیه کرد: «صندوق ویژه دانشجویان برای دموکراسی جهانی»^۱ تشکیل شود؛ صندوقی که دانشجویان و رهبران جوان از دانشگاه‌ها و گروه‌های جوان کشورهای دموکراتیک آن را اداره کنند. هدف این صندوق، فراهم کردن آموزش و حمایت مالی برای گروه‌های دانشجویی و گروه‌های جوان جوامع «در بند» است که وارد عمل شده‌اند (Ibid, p. 4). او با اظهار تردید از اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد چنین حمایتی را صورت دهند، گفت: این یک امر لازم‌الاجرا و ضروری است.

طبق گزارش سالانه خانه آزادی در سال ۲۰۰۷، این سازمان شبه‌دولتی «اصطلاح‌طلبان و مدافعان حقوق بشر ایرانی را به‌وسیله پیوند دادن آن‌ها از طریق اینترنت با منابع همتایانشان در سرتاسر جهان» حمایت می‌کند. این نهاد در سپتامبر ۲۰۰۶، انتشار ماهنامه اینترنتی «گذار» را که به دو زبان فارسی و انگلیسی است و «به دموکراسی و حقوق بشر در ایران» اختصاص یافته است، شروع کرد (Gozaar, 2008). این ماهنامه منابع آموزشی و اطلاعاتی مورد نظر اصلاح‌طلبان ایرانی را ترسیم می‌کند. لادن برومند، یکی از اعضای شورای مشاوران گذار است. او از اعضای هیئت مؤسسان و سرپرست پژوهشی بنیاد عبدالرحمن برومند است؛ نهادی که به‌طور منظم از بنیاد وقف ملی برای دموکراسی اعانه دریافت می‌کند (Ibid).

برآیند

دیپلماسی عمومی آمریکا حاصل مجموعه‌ای از فعالیت‌های علنی اطلاع‌رسانی (مانند شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی مورد حمایت دولت و برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی)، عملیات مخفی جنگ روانی تحت هدایت سازمان سیا، و اقدامات سازمان‌های به‌ظاهر مستقلی مانند بنیاد وقف ملی برای دموکراسی است؛ اقداماتی که بودجه آن‌ها را دولت آمریکا تأمین می‌کند.

این مقاله نشان می‌دهد که ساختار دیپلماسی عمومی آشکار آمریکا در برابر ایران مجموعه‌ای است از سازمان‌های دولتی (مانند سازمان‌های ذی‌ربط در وزارت امور خارجه و صدای آمریکا) و سازمان‌های به‌ظاهر مستقل (مانند بنیاد وقف ملی برای دموکراسی) که بودجه آن‌ها را دولت آمریکا تأمین می‌کند. آمریکا با استفاده از این ساختار، می‌کوشد هدف‌های خود را در خاور میانه با به‌زانو درآوردن و شکست دادن ایران به‌دست آورد. در این میان، تبلیغات و دیپلماسی عمومی براندازانه، یکی از ابزارهای فشار مورد علاقه آمریکا علیه ایران است. در این چارچوب، هدف از ارتباط با مردم ایران، همکاری، تفاهم، یا هم‌اندیشی نیست؛ هدف، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی ایران طبق الگوی است که آمریکا می‌پسندد و به‌دنبال ترویج آن است.

هرگاه دیپلماسی عمومی آمریکا در خدمت سیاست‌های خصمانه و استکباری‌اش قرار گیرد، نمی‌توان انتظار داشت که این فرآیند بتواند هدف‌های آمریکا را با افکار عمومی طیف‌های مختلف ایرانیان - که مخالف جدی دخالت‌های آمریکا در کشورشان هستند - هماهنگ کند. تغییر نکردن رفتار سیاست خارجی آمریکا در نهایت به شعله‌ورتر شدن روند ضد‌آمریکایی‌گرایی در خاور میانه (به‌طور عام) و در ایران (به‌طور خاص) خواهد انجامید.

منابع

- الیاسی، م. ح. (۱۳۸۹). «مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی تهدیدات نرم» در قدرت و جنگ نرم: از نظریه تا عمل. حجت‌الله مرادی. تهران: ساقی.
- هادیان، ن. و احدی، ا. (۱۳۸۸). جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی ۱، شماره ۳: ۹۸.
- ABC News. *Bush Authorizes New Covert Action against Iran* [on-line], available:
http://blogs.abcnews.com/theblotter/2007/05/bush_authorizes.html.
- AFX International Focus. (2006). *Iran Objects to US Intervention in Domestic Affairs*. London.
- Algar, H. (1983). *The Roots of the Islamic Revolution*. London: Open Press.
- Azimi, N. (2007). Hard Realities of Soft Power. *New York Times Magazine*, June 24.
- Battle, J. (2002). *US Propaganda in the Middle East: The Early Cold War Version* (Electronic Briefing Book No. 78), [National Security Archive], available:
<http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB78/essay.htm>.
- Bruck, C. (2006). Exiles: How Iran's Expatriates Are Gaming the Nuclear Threat. *The New Yorker* 82, No. 3.
- Center for Applied Non-Violent Action and Strategies. *About* [on-line], available:
<http://www.canvasopedia.org/content/special/nvstruggle.htm>.
- Center for Applied Non-Violent Action and Strategies. *Nonviolent Struggle - 50 Crucial Points: A Strategic Approach to Everyday Tactics* [on-line], available:
<http://www.canvasopedia.org/content/special/nvstruggle.htm>.

- Committee on International Relations. (2006). *United States Policy toward Iran - Next Steps*, 109th Cong., 2nd sess., March 8.
- Conry, B. (1993). *Loose Cannon: The National Endowment for Democracy*. Washington DC.
- Consolidated Appropriations Act 2008. (2007). *H. R. 2764, 110th Cong., 1st Sess*, January 4 [on-line], available:
http://frwebgate.access.gpo.gov/cgi-bin/getdoc.cgi?dbname=110_cong_bills&docid=f:h2764enr.txt.pdf.
- Denehy, D. M. (2008). The Iranian Democracy Imperative. *Journal of International Security Affairs*, No. 15, Fall.
- Department of State. (2007). *Foreign Operations, and Related Programs Appropriations Bill, 2008*, 110th Cong. 1st Sess, July 10 [on-line], available:
http://frwebgate.access.gpo.gov/cgi-bin/getdoc.cgi?dbname=110_cong_reports&docid=f:sr128.110.pdf.
- Department of State. *Authorization Act*. Fiscal Years 1984 and 1985. 98th Cong., 1st Sess., Public Law 98-164.
- Dinmore, G. (2006). Bush Enters Debate on Freedom in Iran. *Financial Times*, March 30.
- Freedom House. *A History* [on-line], available:
<http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=249>.
- Freedom House. *Frequently Asked Questions* [on-line], available:
<http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=265#1>.
- Freedom House. (2006). *Return of Organization Exempt Form Income Tax*. Washington DC.
- Freedom House. (2008). *A Century of Freedom and Democracy: 2007 Annual Report*. Washington DC.
- Gilboa, E. (2006). Public Diplomacy: The Missing Component in Israel's Foreign Policy. *Israel Affairs* 12, No. 4.
- Gozaar. *About Us* [on-line], available:
<http://www.gozaar.org/freeform.php?id=21&language=english>.

- Hahn, P. L. (2005). *Crisis and Crossfire: The United States and the Middle East since 1945*. Washington DC: Potomac Books.
- Hersh, S. M. (2008). Preparing the Battlefield: The Bush Administration Steps up It's Secret Moves against Iran, July 7 [*The New Yorker*], available:
http://www.newyorker.com/reporting/2008/07/07/080707fa_fact_hersh.
- Ignatius, D. (1991). Innocence Abroad: The New World of Spyleless Coups. *Washington Post*, September 22.
- Iran Freedom Support Act of 2005. 109th Cong., 1st Sess., S. 333.
- Iran Freedom Support Act of 2006. (2006). H. R. 6198, 109th Cong., 2nd Sess, September 28 [on-line], available:
http://frwebgate.access.gpo.gov/cgi-bin/getdoc.cgi?dbname=109_cong_bills&docid=f:h6198eh.txt.pdf.
- Katzman, K. (2009). *Iran: US Concerns and Policy Responses*. Washington DC: Congressional Research Service [on-line], available:
<http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL32048.pdf>.
- Katzman, K. (2008). *Iran Current Developments and U.S. Policy*. Washington DC: Congressional Research Service.
- Katzman, K. (2009). *Iran: US Concerns and Policy Responses*. Washington DC.
- Lee, B. Congresswoman Lee Introduces Legislation to Restrict Covert Tactics in Dealings with Iran [on-line], available:
<http://lee.house.gov/?sectionid=57§iontree=35,57&itemid=1411>.
- Lieberman, J. Senate Adopts Lieberman Amendment to Restore Funding for Iran Democracy Promotion[on-line], available:
<http://lieberman.senate.gov/newsroom/release.cfm?id=282017&&>.
- Lowe, D. Idea to Reality: A Brief History of the National Endowment for Democracy. *National Endowment for Democracy* [on-line], available:
<http://www.ned.org/about/nedhistory.html>.

- Mapp, W. (1993). *The Iran-United States Claims Tribunal, the First Ten Years, 1981-1991: An Assessment of the Tribunal's Jurisprudence and It's Contribution to International Arbitration*. Manchester, UK: Manchester University Press.
- Milivojevic, P. & Djinovic. (2006). *Mobarezeh Khoshunat Parhiz: 50 Nokteh Asasi*.
- National Endowment for Democracy. (2008). *2007 Annual Report*. Washington DC.
- National Endowment for Democracy. About Us [on-line], available: <http://www.ned.org/about/about.html>.
- National Endowment for Democracy. Democracy Projects Database [on-line], available: <http://geniehost25.inmagic.com/dbtw-wpd/projects-search.html>.
- National Endowment for Democracy. How the Ned Works [on-line], available: <http://www.ned.org/about/how.html>.
- Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Palmer, M. (2006). *Promotion of Democracy by Nongovernmental Organizations: An Action Agenda*. Washington DC.
- Irwin, P. M. & Nowels, L. (2006). *Supplemental Appropriations: Iraq and Other International Activities; Additional Katrina Hurricane Relief*. Washington DC.
- Press TV. US Plotting Velvet Revolution in Iran [on-line], available: <http://www.presstv.ir/Detail.aspx?id=75784§ionid=351020101>.
- Paul, R. National Endowment for Democracy: Paying to Make Enemies of America [on-line], available: <http://www.antiwar.com/paul/paul79.html>.
- Popovic, S. & Milivojevic, A. & Djinovic, S. (2006). *Mobarezeh Khoshunat Parhiz: 50 Nokteh Asasi*. Belgrade, Serbia: Center for Applied Non-Violent Action and Strategies [on-line], available:

- http://www.gozaar.org/uploaded_files/NVSFarsi42208.pdf.
- Rice, C. (2006/A). *State Department's Fiscal Year 2007 Appropriations for Foreign Assistance Programs*. Washington DC.
 - Rice, C. (2006/B). *US Senate Committee on Foreign Relations Holds Hearing on the Fiscal Year 2007 Budget Proposal for Foreign Affairs*. Washington DC.
 - Rozen, L. (2006). US Moves to Weaken Iran. *Los Angeles Times*, May 19.
 - Souers, S. W. Memorandum from the Executive Secretary to the Members of the National Security Council: Nsc 4. [National Security Council], available:
<http://www.fas.org/irp/offdocs/nsc-hst/nsc-4.html>.
 - Souers, S. W. Memorandum from the Executive Secretary to the Members of the National Security Council: Nsc 4-A. [National Security Council], available:
<http://www.fas.org/irp/offdocs/nsc-hst/nsc-4.html>.
 - Stockman, F. (2007). *US Unit Created to Pressure Iran*. Syria Disbanded Occurs Amid Effort at Talks. *The Boston Globe*, May 26.
 - Stockman, F. (2006). Rice Wants Funds for Democracy Initiative in Iran. *The Boston Globe*, February 16.
 - Stuart, C. (2006). Transformational Diplomacy. *Foreign Service Journal* 83, No. 2.
 - Epstein, S. B. (2006). *State Department and Related Agencies: Fy2006 Appropriations and Fy2007 Request*. Washington DC.
 - Tuch, H. (1990). *Communicating with the World*. New York: St. Martin's Press.
 - US Department of State. (2006/A). *Recruiting the Next Generation of Iran Experts: New Opportunities in Washington, Dubai and Europe*. ed. US. Department of State. Washington DC.
 - US Department of State. (2006/B). *Recruiting the Next Generation of Iran Experts: New Opportunities in Washington, Dubai and*

Europe. Unclassified State 00032902 P010344Z. Washington DC [on-line], available:

http://images1.americanprogress.org/il80web20037/ThinkProgress/2006/0293_001.pdf.

- US Department of State. (2006/C). *State Department Background Briefing with Two Senior Administration Officials*. Washington DC.

- US Department of State. (2006/D). *State Department Regular Briefing, Briefer: Adam Ereli, Department Deputy Spokesman*. Washington DC.

- US Department of State. (2007). *Update on Iran Democracy Promotion Funding*. Washington DC [on-line], available:

<http://statelists.state.gov/scripts/wa.exe?A2=ind0706a&L=dospress&P=552>.

- US Department of State. (2008). *Sports United: Sports Initiatives with Iran*. Washington DC.

- US Department of State. Bureau of International Information Programs [on-line], available:

<http://www.state.gov/r/iip>.

- US Department of State. Iran Democracy Program Announcement. Office of Middle East Partnership Initiative [on-line], available:

<http://mepi.state.gov/62704.html>.

- US Department of State. Middle East Partnership Initiative [on-line], available:

<http://mepi.state.gov>.

- US Department of State. Reaching out to the People of Iran [on-line], available:

<http://statelists.state.gov/scripts/wa.exe?A2=ind0602c&L=dosfacts&P=230>.

- United States Advisory Commission on Public Diplomacy. (2005). *United States Advisory Commission on Public Diplomacy 2005 Report*. Washington DC.

- United States Agency for International Development. *Support for Civil Society and Rule of Law in Iran* [on-line], available: <http://www.grants.gov/search/search.do?mode=VIEW&flag2006=false&oppId=42479>.
- United States Agency for International Development. (2008). *The Usaid/Washington/Middle East Bureau 2008 Annual Program Statement (Aps)*. Washington DC.
- Weiner, T. (1996). U.S Plan to Change Iran Leaders is an Open Secret before it Begins. *New York Times*, January 26 [on-line], available: <http://query.nytimes.com/gst/fullpage.html?res=9B07E1D91139F935A15752C0A960958260&n=Top/Reference/Times%20Topics/Subjects/L/Law%20and%20Legislation>.
- Wilber, D. (1954). *Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, November 1952-August 1953*. Washington DC: Central Intelligence Agency.